



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# الغاشیه

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا



آشنایی . اعراب آیات . آوازهنگاری قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	۸۸. سوره الغاشیه
۷	مشخصات کتاب
۷	سوره الغاشیه
۸	آشنایی با سوره
۸	اعراب آیات
۱۲	آوانگاری قرآن
۱۳	ترجمه سوره
۱۳	ترجمه فارسی استاد فولادوند
۱۵	ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی
۱۷	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان
۱۹	ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای
۲۱	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی
۲۳	ترجمه فارسی استاد مجتبیوی
۲۵	ترجمه فارسی استاد آیتی
۲۷	ترجمه فارسی استاد خرمشاهی
۲۸	ترجمه فارسی استاد معزی
۳۰	ترجمه انگلیسی قرائتی
۳۲	ترجمه انگلیسی شاکر
۳۴	ترجمه انگلیسی ایروینگ
۳۵	ترجمه انگلیسی آربری
۳۷	ترجمه انگلیسی پیکتال
۳۹	ترجمه انگلیسی یوسفعلی
۴۱	ترجمه فرانسوی

۴۲	ترجمه اسپانیایی
۴۴	ترجمه آلمانی
۴۶	ترجمه ایتالیایی
۴۸	ترجمه روسی
۴۹	ترجمه ترکی استانبولی
۵۱	ترجمه آذربایجانی
۵۳	ترجمه اردو
۵۵	ترجمه پشتو
۵۷	ترجمه کردی
۵۹	ترجمه اندونزی
۶۱	ترجمه مالزیایی
۶۳	ترجمه سواحیلی
۶۵	تفسیر سوره
۶۵	تفسیر المیزان
۷۹	تفسیر نمونه
۹۹	تفسیر مجمع البیان
۱۲۰	تفسیر اطیب البیان
۱۲۵	تفسیر نور
۱۳۰	تفسیر انگلیسی
۱۳۴	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: معارف قرآنی

سوره الغاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

وَجُودٌ يُؤْمِنُ خَاشِعَةً (۲)

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳)

تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ (۵)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ (۶)

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷)

وَجُودٌ يُؤْمِنُ نَاعِمَةً (۸)

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةً (۹)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِغِيَّةٍ (۱۱)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)

فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳)

وَ أَكْوَابٍ مَوْضُوعَةً (۱۴)

وَ نَمَارِقٍ مَصْفُوفَةً (۱۵)

وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةً (۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (۲۲)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ (۲۳)

فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

## آشنایی با سوره

۸۸- غاشیه [فرا گیرنده]

یکی از نامهای روز قیامت است که در آیه اول بیان شده است. فراگیرنده و احاطه کننده مردم، از نظر هراس و وحشت، از نظر محاسبه و بررسی اعمال و ... در این سوره، مردم از نظر شقاوت و سعادت اخروی به دو بخش تقسیم شده اند و کیفر و پاداش هر یک، در بهشت و جهنم بیان شده است و ربوبیت خداوند یادآوری می شود و در نهایت، بازگشت همه انسانها برای حساب، در نزد پروردگار، مطرح شده است. بعد از سوره ذاریات در مکه نازل شده است و ۲۶ آیه دارد.

## اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف  
{الرَّحْمَنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع



{هَيْلُ} حرف استفهام {أَتَاكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به  
{حَدِيثٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {الْغَاشِيَةِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{وُجُوهُ} مبتدأ، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعول فیه، منصوب یا در محل نصب / (إِذ) مضاف الیه {خَاشِعَةً}  
نعت تابع

{عَامِلَةٌ} نعت تابع {نَاصِبَةٌ} نعت تابع

{تَصِيلِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در  
محل {نَارًا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {حَامِيَةً} نعت تابع

{تُشِيقِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {عَيْنِ}  
اسم مجرور یا در محل جر {آئِيهِ} نعت تابع

{لَيْسَ} فعل ماضی، مبنی

بر فتحه ظاهری یا تقدیری {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر لیس محذوف {طَعَامٌ} اسم لیس، مرفوع یا در محل رفع {إِلَّا} حرف استثنا {مِنْ} حرف جر {ضَرِيعٌ} اسم مجرور یا در محل جر

{لَا} حرف نفی غیر عامل {يُسَيِّمُنْ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {وَلَا} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {يُغْنِي} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنْ} حرف جر زائد {جُوعٌ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{وَجُودٌ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب / (إِذ) مضاف إليه {نَاعِمَةٌ} نعت تابع

{لَسَعِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {رَاضِيَةٌ} نعت تابع

{فِي} حرف جر {جَنَّةٍ} اسم مجرور یا در محل جر {عَالِيَةٍ} نعت تابع / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{لَا} حرف نفی غیر عامل {تَسْمَعُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {لَاغِيَةً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {عَيْنٌ} مبتدا مؤخّر {جَارِيَةٌ} نعت تابع

{فِيهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر مقدّم محذوف {سُرُرٌ} مبتدا مؤخّر {مَرْفُوعَةٌ} نعت تابع

{وَأَكْوَابٌ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {مَوْضُوعَةٌ} نعت تابع

{وَنَمَارِقٌ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {مَصْفُوفَةٌ} نعت تابع

{وَزَرَائِبٌ} (و) حرف عطف /

معطوف تابع {مَبْتُوَةٌ} نعت تابع

{أَفْلا-} همزه (أ) حرف استفهام / (ف) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {يَنْظُرُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {إِلَى} حرف جر {الْبَابِلِ} اسم مجرور یا در محل جر {كَيْفَ} حال، منصوب {خُلِقَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَالِی} (و) حرف عطف / حرف جر {السَّمَاءِ} اسم مجرور یا در محل جر {كَيْفَ} حال، منصوب {رُفِعَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَالِی} (و) حرف عطف / حرف جر {الْجِبَالِ} اسم مجرور یا در محل جر {كَيْفَ} حال، منصوب {نُصِبَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَالِی} (و) حرف عطف / حرف جر {الْمَأْرُضِ} اسم مجرور یا در محل جر {كَيْفَ} حال، منصوب {سُيِّطِحَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{فَدَكْرٌ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {إِنَّمَا} حرف مكفوف (كافه و مكفوفه) {أَنْتَ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {مُدَكَّرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع

{لَسْتَ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل در محل رفع، اسم لیس {عَلَيْهِمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {بِمُصِطِرٍ} (ب) حرف جر زائد / خبر لیس، منصوب یا در محل نصب

{إِلَّا} حرف استثنا {مَنْ} مستثنی، منصوب {تَوَلَّى}

فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {وَكْفَرَ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{فَيَعِذُ بِهِ} (ف) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به {اللَّهُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {الْعَذَابِ} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {الْأَكْبَرِ} نعت تابع

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {إِلَيْنَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر إِنَّ محذوف {إِيَابَهُمْ} اسم إِنَّ، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{ثُمَّ} حرف عطف {إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {عَلَيْنَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر إِنَّ محذوف {حِسَابَهُمْ} اسم إِنَّ، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

## آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Hal ataka hadeethu alghashiyati.۱

Wujoohun yawma-ithin khashiAAatun.۲

AAamilatun nasibatun.۳

Tasla naran hamiyatan.۴

Tusqa min AAaynin aniyatin.۵

Laysa lahum taAAamun illa min dareeAAain.۶

La yusminu wala yughnee min jooAAain.۷

Wujoohun yawma-ithin naAAaimatun.۸

LisaAAyiha radiyatun.۹

Fee jannatin AAaliyatin.۱۰

La tasmaAAu feeha laghiyatan.۱۱

Feeha AAaynun jariyatun.۱۲

Feeha sururun marfooAAatun.۱۳

Waakwabun mawdooAAatun.۱۴

Wanamariqu masfoofatun.۱۵

Wazarabiyyu mabthoothatun.۱۶

Afala yanthuroona ila al-ibili kayfa khuliqat.۱۷

Wa-ila alssama-i kayfa rufiAAat.۱۸

Wa-ila aljibali kayfa nusibat.۱۹

Wa-ila al-ardi kayfa sutihat.۲۰

Fathakkir innama anta muthakkirun.۲۱

Lasta AAalayhim bimusaytirin.۲۲

Illa man tawalla wakafara.۲۳

FayuAAaththibuhu Allahu alAAathaba al-akbara.۲۴

Inna ilayna iyabahum.۲۵

Thumma inna AAalayna hisabahum.۲۶

**ترجمه سوره**

**ترجمه فارسی استاد فولادوند**

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ (۱)

در آن روز، چهره هایی زبونند، (۲)

که تلاش کرده، رنج [بیهوده برده اند]. (۳)

[ناچار] در آتشی سوزان در آیند. (۴)

از چشمه ای داغ نوشانیده شوند. (۵)

خوراکی جز خار خشک ندارند، (۶)

[که نه فربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد. (۷)

در آن روز، چهره هایی شادابند. (۸)

از کوشش خود خوشنودند. (۹)

در بهشت برین اند. (۱۰)

سخن بیهوده ای در آنجا نشنوند. (۱۱)

در آن، چشمه ای روان باشد. (۱۲)

تختهایی بلند در آنجاست. (۱۳)

و قدحهایی نهاده شده. (۱۴)

و بالشهایی پهلوی هم [چیده]. (۱۵)

و فرشهایی [زربفت گسترده. (۱۶)

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸)

و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده؟ (۱۹)

و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (۲۰)

پس تذکر ده که تو تنها تذکردهنده ای. (۲۱)

بر آنان تسلطی نداری، (۲۲)

مگر کسی که روی

بگرداند و کفر ورزد، (۲۳)

که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند. (۲۴)

در حقیقت، بازگشت آنان به سوی ماست، (۲۵)

آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست. (۲۶)

### ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» آیا داستان غاشیه (= روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند) به تو رسیده است؟!

«۲» چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند،

«۳» آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند [و نتیجه ای عایدشان نشده است]،

«۴» و در آتش سوزان وارد می گردند؛

«۵» از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشاند؛

«۶» غذائی جز از ضریح [= خار خشک تلخ و بدبو] ندارند؛

«۷» غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند!

«۸» چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند،

«۹» و از سعی و تلاش خود خشنودند،

«۱۰» در بهشتی عالی جای دارند،

«۱۱» که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند!

«۱۲» در آن چشمه ای جاری است،

«۱۳» در آن تخته های زیبای بلندی است،

«۱۴» و قدحهایی [که در کنار این چشمه] نهاده،

«۱۵» و بالشها و پشتیهای صف داده شده،

«۱۶» و فرشهای فاخر گسترده!

«۱۷» آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟!

«۱۸» و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده؟!

«۱۹» و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب گردیده!

«۲۰» و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟!

«۲۱» پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای!

«۲۲» تو سلطه گر بر آنان نیستی که [بر ایمان] مجبورشان کنی،

«۲۳» مگر کسی که پشت کند و کافر شود،



«۲۴» که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند!

«۲۵» به یقین بازگشت [همه] آنان به سوی ماست،

«۲۶» و مسلماً حسابشان [نیز] با ماست!

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا خبر حادثه هولناکی که [همه انسان ها را از هر سو] فرامی گیرد، به تو رسیده است؟ (۱)

در آن روز چهره هایی زبون و شرمسارند؛ (۲)

[آنان که همواره در دنیا] کوشیده اند و خسته شده اند [و سرانجام سودی نیافته اند] (۳)

در آتشی سوزان درآیند. (۴)

آنان را از چشمه ای بسیار داغ می نوشانند؛ (۵)

برای آنان طعامی جز خار خشک و زهر آگین وجود ندارد (۶)

که نه فربه می کند و نه از گرسنگی بی نیاز می نماید. (۷)

در آن روز چهره هایی شاداب و باطراوت اند (۸)

از تلاش و کوشش خود خشنودند (۹)

در بهشتی برین اند (۱۰)

در آنجا سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱)

در آن چشمه ای روان است (۱۲)

[و] در آنجا تخت هایی بلند و با ارزش قرار دارد (۱۳)

[و] در کنار چشمه هایش [قدح ها نهاده شده است] (۱۴)

[و] دیگر از نعمت هایش [بالش هایی پهلوی هم چیده] برای تکیه زدن بهشتی ها [است] (۱۵)

و فرش هایی زربافت و گسترده [که روی آن می نشینند]. (۱۶)

آیا با تأمل به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

و به آسمان که چگونه بر افراشته شده؟ (۱۸)

و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب شده؟ (۱۹)

و به زمین که چگونه گسترده شده؟ (۲۰)

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای؛ (۲۱)

تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی]، (۲۲)

ولی کسی که [به دنبال تذکر پی در پی] روی

گردانید و کفر ورزید. (۲۳)

پس خدا او را به عذاب بزرگ تر عذاب خواهد کرد. (۲۴)

قطعاً بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۵)

آن گاه بی تردید حسابشان بر عهده ماست. (۲۶)

### ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما، آیا خبر هولناک قیامت و بلیه عالم گیر محشر بر تو حکایت شده است؟ (۱)

که آن روز رخسار گروهی کافر و متکبر ترسناک و ذلیل باشد (۲)

و همه کارشان رنج و مشقت است (۳)

و پیوسته در آتش فروزان دوزخ معذبند (۴)

و از چشمه آب گرم جهنم آب نوشند (۵)

طعامی غیر صریح دوزخ که علفی بد طعم و بوست غذای آنها نیست (۶)

که به آن طعام هر چه خورند نه فربه شوند و نه سیر گردند (۷)

جمعی دیگر به نعمتهای بهشتی رخسارشان شادمان و خندانست (۸)

و از سعی و کوشش خود در طاعت خدا خشنودند (۹)

که در بهشت بلند مرتبت مقام عالی یافته اند (۱۰)

و در آنجا بهشتیان به هم هیچ سخن زشت و بیهوده نگویند و نشنوند (۱۱)

در آن بهشت چشمه های آب زلال و گوارا جاریست (۱۲)

و هم آنجا تختهای عالی و کرسیهای بلند پایه نهاده اند (۱۳)

و قدحهای بزرگ بهترین شراب گذاشته اند (۱۴)

و بر هر تخت مسند و بالشهای لطیف مرتب داشته اند (۱۵)

و فرشهای عالی گرانبها گسترده اند (۱۶)

آیا مردم در خلقت شتر نمی نگرند که چگونه به انواع حکمت و منفعت برای بشر خلق شده است؟ که یک قطار این حیوان را خدا مطیع یک کودک انسان گردانیده و از شیر و گوشت و پوست و کرک

و بارکشی آن هزاران سود میبرند (۱۷)

و در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمی کنند که چقدر و چگونه به استحکام و نظم گردش و اشعه و انوار نیکو آفریده اند  
(۱۸)

و کوه های معدن زای و چشمه زار را نمی بینند که چگونه بر زمین برافراشته اند؟ (۱۹)

و به زمین که حکمتها در آن آشکار و پنهانست نظر نمی کنند که چگونه گسترده اند (۲۰)

ای رسول تو خلق را به حکمتهای الهی متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست (۲۱)

و تو مسلط و توانا بر تبدیل کفر و ایمان آنها نیستی (۲۲)

جز آنکه هر کس پس از تذکر روی از حق بگرداند و کافر شود (۲۳)

او را خدا به عذابی بزرگ در دوزخ معذب کند (۲۴)

تا بدانند که البته بازگشت آنها بسوی ماست (۲۵)

آنگاه حساب و جزای اعمال نیک و بدشان بر ما خواهد بود (۲۶)

### ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

آیا خبر آن حادثه فراگیر به تو رسیده است؟ (۱)

در آن روز، چهره هایی خوار و زبونند. (۲)

(با آنکه) تلاش کرده و رنج برده اند. (۳)

(اما) به آتشی سوزان در آیند. (۴)

و از چشمه ای جوشان نوشانده شوند. (۵)

و خوراکی جز خار خشک و تلخ ندارند. (۶)

که نه فربه کند و نه گرسنگی را از میان برد. (۷)

در چنین روزی چهره هایی خرم باشند. (۸)

از کوشش خود خشنود. (۹)

در بهشت برین (جای دارند). (۱۰)

در آنجا سخن بیهوده ای نشنوند. (۱۱)

در آنجا چشمه ای جاری است. (۱۲)

در آنجا تختهایی است برافراشته. (۱۳)

و سبوهایی چیده شده، (۱۴)

و بالشهایی ردیف شده، (۱۵)

و فرش هایی گسترده شده. (۱۶)

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

و به آسمان، که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸)

و به کوه که چگونه برپا داشته شده؟ (۱۹)

و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (۲۰)

پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهنده ای، (۲۱)

و بر آنان سیطره و تسلطی نداری (که به ایمان آوردن مجبورشان کنی). (۲۲)

مگر آن کس که روی گرداند و کفر پیشه کرد. (۲۳)

که خداوند او را به بزرگترین عذاب مجازات می کند. (۲۴)

همانا بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۵)

آنگاه حسابشان بر ماست. (۲۶)

### ترجمه فارسی استاد مجتبی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آیا خبر آن پوشنده فراگیر - یعنی رستاخیز - به تو رسیده است؟ (۱)

روی هایی در آن روز فروشکسته اند - ترسناک و خوارند -. (۲)

کوشنده اند - در این جهان - و رنج کشنده - در آن جهان -. (۳)

در آتشی سخت سوزنده درآیند - یا به آتشی سخت سوزنده بسوزند -. (۴)

از چشمه ای بسیار گرم آبشان دهند. (۵)

آنها را هیچ خوردنی نیست مگر خار درشت تلخ - که هیچ چارپایی نمی خورد -، (۶)

که نه فربه می کند و نه از گرسنگی سودی دهد - گرسنگی را از میان نمی برد - (۷)

روی هایی در آن روز تازه و نازنده - به نعمت - باشند، (۸)

از کردار خود خشنود، (۹)

در بهشتی برین. (۱۰)

در آنجا سخن بیهوده و یاوه نشوند. (۱۱)

در آنجا چشمه ای روان باشد. (۱۲)

در آنجا تختهایی است بلند. (۱۳)

و سبوهایی نهاده - سرشار از می ، (۱۴)

و بالشهایی به



ردیف چیده، (۱۵)

و فرشهایی گسترده. (۱۶)

پس آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸)

و به کوه ها که چگونه نهاده شده و استوار گشته؟ (۱۹)

و به زمین که چگونه گسترانیده شده؟ (۲۰)

پس یادآوری کن و پند ده که تو یادآور و پنددهنده ای و بس. (۲۱)

بر آنان گماشته و چیره نیستی. (۲۲)

مگر آن کس را که پشت کرد و کفر ورزید - که او را سود نکند -. (۲۳)

پس خدا او را عذاب کند بزرگترین عذاب. (۲۴)

همانا بازگشتشان به سوی ماست. (۲۵)

آنگاه حسابشان بر ماست. (۲۶)

### ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آیا داستان غاشیه به تو رسیده است؟ (۱)

در آن روز وحشت در چهره ها پدیدار است، (۲)

تلاش کرده و رنج دیده، (۳)

در آتش سوزان درافتند. (۴)

از آن چشمه بسیار گرم آبشان دهند، (۵)

طعامی جز خار ندارند، (۶)

که نه فربه می کند و نه دفع گرسنگی . (۷)

و در آن روز چهره هایی تازه باشند: (۸)

از کار خویشتن خشنود، (۹)

در بهشتی برین، (۱۰)

که در آن سخن لغو نشنوی، (۱۱)

و در آن چشمه سارها روان باشد، (۱۲)

و تختهایی بلند زده، (۱۳)

و سبوهایی نهاده، (۱۴)

و بالشهایی در کنار هم چیده، (۱۵)

و فرشهایی گسترده . (۱۶)

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده ؟ (۱۷)

و به آسمان که چسانش برافراشته اند؟ (۱۸)

و به کوهها که چگونه برکشیده اند؟ (۱۹)

و به زمین که چسان گسترده شده ؟

پس پند ده ، که تو پنددهنده ای هستی . (۲۱)

تو بر آنان فرمانروا نیستی . (۲۲)

مگر آن کس که رویگردان شد و کفر ورزید، (۲۳)

پس خدایش به عذاب بزرگتر عذاب می کند. (۲۴)

هر آینه بازگشتشان به سوی ماست. (۲۵)

سپس حسابشان با ماست. (۲۶)

### ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا داستان هنگامه فراگیر به تو رسیده است؟ (۱)

در چنین روز چهره هایی خاکسار باشند (۲)

سختی دیده و محنت کشیده (۳)

که به آتشی بس سوزان در آیند (۴)

از چشمه ای گرم به آنان نوشانده شود (۵)

خوراکی غیر از خار خشک زهردار ندارند (۶)

که نه فربه گرداند، و نه گرسنگی را چاره کند (۷)

در چنین روز چهره هایی خرم باشند (۸)

از کوشش [پیشین] خود خشنود (۹)

در بهشت برین (۱۰)

در آنجا لغوی نشنوند (۱۱)

در آنجا چشمه ای روان باشد (۱۲)

در آنجا تختهایی است بالا بلند (۱۳)

و کوزه هایی پیش نهاده (۱۴)

و بالشهایی ردیف شده (۱۵)

و فرشهای زرباف گسترده (۱۶)

آیا در شتر نمی نگرند که چگونه [بدیع] آفریده شده است؟ (۱۷)

و نیز به آسمان که چگونه برافراشته شده است (۱۸)

و نیز به کوه ها که چگونه بر قرار گردیده است (۱۹)

و نیز به زمین که چگونه گسترده شده است (۲۰)

پس اندرز ده که همانا تو اندرز گویی (۲۱)

[و] بر آنان مسلط [و حکمفرما] نیستی (۲۲)

مگر کسی که روی برتابد و کفر پیشه کند (۲۳)

که خداوند او را به عذابی سهمگین، عذاب کند (۲۴)

بی گمان بازگشت آنان به نزد ماست (۲۵)

سپس حساب آنان با ماست (۲۶)

### ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آیا پیامدت داستان فراگیرنده (۱)

روی هائی است در آن روز سرافکننده (۲)

کارکننده اند رنجبرنده (۳)

چشند آتشی سوزان (۴)

نوشانیده شوند از چشمه جوشان (۵)

نیستشان خوراکی جز از خار (۶)

نه فربه سازد و نه بی نیاز کند از گرسنگی (۷)

روی هائی است در آن روز شاداب (۸)

از

کوشش خویشند خوشنود (۹)

در بهشتی فرازنده (۱۰)

نشوند در آن یاوه ای (۱۱)

در آن است چشمه روان (۱۲)

در آن است تختهایی افراشته (۱۳)

و جامهائی نهاده (۱۴)

و بالشهائی چیده (صف آورده) (۱۵)

و پرده های گسترده (۱۶)

آیا ننگرند بسوی اشتر چگونه آفریده شد (۱۷)

و بسوی آسمان چگونه افراشته شد (۱۸)

و بسوی کوه ها چگونه نشانده شد (۱۹)

و بسوی زمین چگونه گسترده شد (۲۰)

پس یادآوری کن جز این نیست تویی یادآورنده (۲۱)

نیستی بر ایشان فرمانده (۲۲)

مگر آنکه روی برتافت و کفر ورزید (۲۳)

که عذاب کندش خدا آن عذاب بزرگتر (۲۴)

همانا بسوی ماست بازگشتشان (۲۵)

سپس همانا بر ماست حسابشان (۲۶)

**ترجمه انگلیسی قرآنی**

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

?Did you receive the account of the Enveloper ١

,Some faces on that day will be humbled ٢

:wrought-up and weary ٣

,they will enter a scorching fire ٤

.and made to drink from a boiling spring ٥

,They will have no food except cactus ٦

.neither nourishing, nor availing against hunger ٧

,Some faces on that day will be joyous ٨

;pleased with their endeavour ٩

,in a lofty paradise ١٠

.wherein they will not hear any vain talk ١١

In it there is a flowing spring ١٢

,and in it there are raised couches ١٣

,and goblets set ١٤

,and cushions laid out in an array ١٥

.and carpets spread out ١٦

?Do they not observe the camel, [to see] how she has been created ١٧

?and the sky, how it has been raised ١٨

?and the mountains, how they have been set ۱۹

?and the earth, how it has been surfaced ۲۰

,So admonish—for you are only an admonisher ۲۱

—and not a taskmaster over them ۲۲

.except him who turns back and disbelieves ۲۳

.Him Allah will punish with the greatest punishment ۲۴

.Indeed to Us will be their return ۲۵

.Then, indeed, their reckoning will lie with Us ۲۶

ترجمہ انگلیسی شاکر

(Has not there come to you the news of the overwhelming calamity? (۱)

(Some) faces on that day shall be downcast, (۲)

(Laboring, toiling, (۳)

(Entering into burning fire, (۴)

(Made to drink from a boiling spring. (۵)

(They shall have no food but of thorns, (۶)

(Which will neither fatten nor avail against hunger. (۷)

(Other) faces on that day shall be happy, (۸)

(Well-pleased because of their striving, (۹)

(In a lofty garden, (۱۰)

(Wherein you shall not hear vain talk. (۱۱)



(Therein is a fountain flowing, (۱۲

(Therein are thrones raised high, (۱۳

(And drinking-cups ready placed, (۱۴

(And cushions set in a row, (۱۵

(And carpets spread out. (۱۶

(Will they not then consider the camels, how they are created? (۱۷

(And the heaven, how it is reared aloft, (۱۸

(And the mountains, how they are firmly fixed, (۱۹

(And the earth, how it is made a vast expanse? (۲۰

(Therefore do remind, for you are only a reminder. (۲۱

(You are not a watcher over them; (۲۲

(But whoever turns back and disbelieves, (۲۳

(Allah will chastise him with the greatest chastisement. (۲۴

(Surely to Us is their turning back, (۲۵

(Then surely upon Us is the taking of their account. (۲۶

ترجمہ انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

?Has the story of the Pall ever reached you (۱)

,Some faces will be downcast on that day (۲)

.laboring, toiling (۳)

;They will roast in a scorching fire (۴)

,offered a boiling spring to drink from (۵)

they will have no food except some cactus (۶)

.which will neither fatten (them) nor satisfy their hunger (۷)

,Other faces will be blissful on that day (۸)

,pleased with their effort (۹)

.dwelling) in a lofty garden) (۱۰)

.No loose talk will be heard in it (۱۱)

;There will be a flowing spring there (۱۲)

,by it couches will be raised up (۱۳)

,glasses set in place (۱۴)

cushions lined up (۱۵)

.and carpets spread around (۱۶)

?Do they not consider how camels have been created (۱۷)

?Nor how the sky has been lifted up (۱۸)

?Nor how the mountains have been erected (۱۹)

?Nor even how the earth has been flattened out (۲۰)

!So remind: you need only to remind (۲۱)

,You are no taskmaster set up over them (۲۲)

;except for someone who turns away and disbelieves (۲۳)

.God will punish him with the worst torment (۲۴)

;Toward Us lies their retreat (۲۵)

.then their reckoning will fall on Us (۲۶)

ترجمہ انگلیسی آری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(Hast thou received the story of the Enveloper? (۱)

(Faces on that day humbled, (۲)

(labouring, toilworn, (۳)

(roasting at a scorching fire, (۴)

(watered at a boiling fountain, (۵)

no food for them but

(cactus thorn (٩

(unfattening, unappeasing hunger. (٧

(Faces on that day jocund, (٨

(with their striving well-pleased, (٩

(in a sublime Garden, (١٠

(hearing there no babble; (١١

(therein a running fountain, (١٢

(therein uplifted couches (١٣

(and goblets set forth (١٤

(and cushions arrayed (١٥

(and carpets outspread. (١٦

(What, do they not consider how the camel was created, (١٧

(how heaven was lifted up, (١٨

(how the mountains were hoisted, (١٩

(how the earth was outstretched? (٢٠

(Then remind them! Thou art only a reminder; (٢١

(thou art not charged to oversee them. (٢٢

(But he who turns his back, and disbelieves, (٢٣

(God shall chastise him with the greatest chastisement. (٢٤

(Truly, to Us is their return; (٢٥

(then upon Us shall rest their reckoning. (۲۶

## ترجمہ انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Hath there come unto thee tidings of the Overwhelming? (۱

(On that day (many) faces will be downcast, (۲

(Toiling, weary, (۳

(Scorched by burning fire, (۴

(Drinking from a boiling spring, (۵

(No food for them save bitter thorn fruit (۶

(Which doth not nourish nor release from hunger. (۷

(In that day other faces will be calm, (۸

(Glad for their effort past, (۹

(In a high garden (۱۰

(Where they hear no idle speech, (۱۱

(Wherein is a gushing spring, (۱۲

(Wherein are couches raised (۱۳

(And goblets set at hand (۱۴

(And cushions ranged (۱۵

(And silken carts spread (۱۶

(Will they not regard the camels, how they are created? (۱۷

And the

(heaven, how it is railed? (۱۸

(And the hills, how they are set up? (۱۹

(And the earth, how it is spread? (۲۰

(Remind them, for thou art but a remembrancer, (۲۱

(Thou art not at all a warder over them. (۲۲

(But whoso is averse and disbelieveth, (۲۳

(Allah will punish him with direst punishment. (۲۴

(Lo! unto Us is their return (۲۵

(And Ours their reckoning. (۲۶

ترجمہ انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(Has the story reached thee of the Overwhelming (Event)? (۱

(Some faces that Day will be humiliated (۲

(Laboring (hard) weary (۳

(The while they enter the Blazing Fire (۴

(The while they are given to drink of a boiling hot spring. (۵

(No food will there be for them but a bitter Dhari (۶

(Which will neither nourish nor satisfy hunger. (۷

(Other) faces that Day will be joyful. (۸

(Pleased with their Striving (۹

(In a Garden on high (١٠

(Where they shall hear no (word) of vanity: (١١

(Therein will be a bubbling spring: (١٢

(Therein will be Thrones (of dignity) raised on high. (١٣

(Goblets placed (ready). (١٤

(And Cushions set in rows (١٥

(And rich carpets (All) spread out. (١٦

(Do they not look at the Camels how they are made? (١٧

(And at the Sky how it is raised high? (١٨

(And at the Mountains How they are fixed firm? (١٩

(And at the Earth how it is spread out? (٢٠

Therefore do thou give admonition for thou art one to



(admonish. (۲۱

(Thou art not one to manage (mens) affairs. (۲۲

(But if any turn away and reject Allah (۲۳

(Allah will punish him with a mighty Punishment. (۲۴

(For to Us will be their Return; (۲۵

(Then it will be for Us to call them to account. (۲۶

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

۱. ?T'est-il parvenu le récit de l'enveloppante

۲. ,Ce jour-là, il y aura des visages humiliés

۳. ,préoccupés, harassés

۴. ,Ils brûleront dans un Feu ardent

۵. et seront abreuvés d'une source bouillante

۶. ,[Il n'y aura pour eux d'autre nourriture que des plantes épineuses [dari

۷. ,qui n'engraisse, ni n'apaise la faim

۸. ,Ce jour-là, il y aura des visages épanouis

۹. ,contents de leurs efforts

۱۰. ,dans un haut Jardin

۱۱. ,où ils n'entendent aucune futilité

۱۲. ,Là, il y aura une source coulante

Là, des divans élevés .۱۳

et des coupes posées .۱۴

et des coussins rangés .۱۵

.et des tapis étalés .۱۶

,Ne considèrent-ils donc pas les chameaux, comment ils ont été créés .۱۷

,et le ciel comment il est élevé .۱۸

et les montagnes comment elles sont dressées .۱۹

?et la terre comment elle est nivelée .۲۰

,Eh bien, rappelle! Tu n'es qu'un rappelleur .۲۱

.et tu n'es pas un dominateur sur eux .۲۲

,Sauf celui qui tourne le dos et ne croit pas .۲۳

.alors Allah le châtiara du plus grand châtiment .۲۴

.Vers Nous est leur retour .۲۵

.Ensuite, c'est à Nous de leur demander compte .۲۶

ترجمه اسپانیایی

?Te has enterado de la historia de la que cubre? .۱

,Ese día, unos rostros, humillados .۲

,preocupados, cansados .۳

.arderán en un fuego abrasador .۴

.Se les dará de beber de una fuente hirviente .۵

,No tendrán más alimento que de dari .ε

.que no engorda, ni sacia .γ

Otros .λ

,rostros, ese día, estarán alegres  
,satisfechos de su esfuerzo .٩  
,en un Jardín elevado .١٠  
.en el que no se oirá vaniloquio .١١  
,Habrá allí una fuente caudalosa .١٢  
,lechos elevados .١٣  
,copas preparadas .١٤  
cojines alineados .١٥  
.y alfombras extendidas .١٦  
,Es que no consideran cómo han sido creados los camélidos¿ .١٧  
.cómo alzado el cielo .١٨  
,cómo erigidas las montañas .١٩  
?cómo extendida la tierra .٢٠  
,Amonesta, pues! Tú eres sólo un monitori .٢١  
.no tienes autoridad sobre ellos .٢٢  
,Sin embargo, a quien se desvíe y no crea .٢٣  
.Alá le infligirá el castigo mayor .٢٤  
.Volverán todos a Nosotros .٢٥  
.Luego, nos tocará a Nosotros pedirles cuentas .٢٦

.digen, des Barmherzigen ﴿Im Namen Allahs, des Gn  
?ltigenden (Heimsuchung) gedrungen ﴿Ist zu dir die Kunde von der überw . ١  
;Manche) Gesichter werden an jenem Tage niedergeschlagen sein) . ٢  
Sich abarbeitend, müde . ٣  
;Werden sie in ein schreckliches Feuer eingehen . ٤  
;nkt sollen sie werden aus einem siedenden Quell ﴿Getr . ٥  
Keine Speise sollen sie erhalten als das trockene, bittere, dornige Kraut . ٦  
hrt und nicht den Hunger stillt ﴿Das nicht n . ٧  
Und manche) Gesichter werden an jenem Tage fröhlich sein) . ٨  
Wohlzufrieden mit ihrer Mühe . ٩  
In einem hohen Garten . ١٠  
;ige Rede hren wirst ﴿In dem du keine mü . ١١  
In dem eine strömende Quelle ist . ١٢  
In dem erhhte Ruhebetten sind . ١٣  
Und Becher hingestellt . ١٤  
Und Kissen gereiht . ١٥  
Und feine Teppiche ausgebreitet . ١٦  
Wie! wollen sie nicht die Wolken betrachten, wie sie erschaffen sind . ١٧  
Und den Himmel, wie er erhht . ١٨

,ist

,Und die Berge, wie sie aufgerichtet sind .۱۹

?Und die Erde, wie sie hingebreitet ist .۲۰

;Ermahne drum; denn du bist nur ein Ermahner .۲۱

.chter über sie ۞ Du bist nicht W .۲۲

,Jener aber, der sich abkehrt und im Unglauben verharret .۲۳

.Ihn wird Allah mit der schwersten Strafe strafen .۲۴

,Zu Uns ist ihre Heimkehr .۲۵

.Aldann obliegt Uns ihre Rechenschaft .۲۶

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

? Ti è giunta notizia dell'Avvolgente .۱

,Ci saranno in quel Giorno volti umiliati .۲

,di spossati e afflitti .۳

,che bruceranno nel Fuoco ardente .۴

.e saranno abbeverati da una fonte bollente .۵

, 'Per essi non ci sarà altro cibo che il darî .۶

.che non nutre e non placa la fame .۷

,Ci saranno in quel Giorno volti lieti .۸

,soddisfatti delle loro opere .۹

,in un Giardino elevato .۱۰

.in cui non s'odono discorsi vani .۱۱

,Colà vi è una fonte che scorre .۱۲

,colà alti divani .۱۳

[e coppe poste [a portata di mano .۱۴

e cuscini assestati .۱۵

.e tappeti distesi .۱۶

,Non riflettono sui cammelli e su come sono stati creati .۱۷

,sul cielo e come è stato elevato .۱۸

,sulle montagne e come sono state infisse .۱۹

?sulla terra e come è stata distesa .۲۰

Ammonisci dunque, ché tu altro non sei che un ammonitore .۲۱

. e non hai autorità alcuna su di loro .۲۲

,Quanto a chi volge le spalle e non crede .۲۳

Allah lo castigherà con il castigo più .۲۴

.grande

.۲۵ ,In verità a Noi ritorneranno

.۲۶ [e allora spetterà a Noi chieder loro conto [delle loro azioni

ترجمہ روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

.۱ ?Дошел ли до тебя рассказ о покрывающем

.۲ Лица в тот день униженные

.۳ ,трудящиеся, работающие

.۴ ,горят в огне пылающем

.۵ .поятся из источника кипящего

.۶ ,Нет у них пищи, кроме дари

.۷ .он не утучняет и от голода не избавляет

.۸ Лица в тот день благостные

.۹ ,своим стремлением довольные

.۱۰ .в саду возвышенном

.۱۱ .Не услышишь ты в нем болтовни

.۱۲ ,Там источник проточный

.۱۳ ,там седалища воздвигнуты

.۱۴ ,и чаши поставлены

.۱۵ ,и подушки разложены



.и ковры разостланы .۱۶

,Разве они не посмотрят на верблюдов, как они созданы .۱۷

,и на небо, как оно возвышено .۱۸

,и на горы, как они водружены .۱۹

.и на землю, как она распростерта .۲۰

!Напоминай же, ведь ты – только напоминатель .۲۱

.Ты над ними – не властитель .۲۲

.Кроме тех, кто отворотился и впал в неверие .۲۳

!Ведь их накажет Аллах величайшим наказанием .۲۴

,Ведь к Нам их возврат .۲۵

.а потом, на Нас ведь – их расчет .۲۶

ترجمہ ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adıyla

?Geldi mi sana her yan ve herkesi kavrayp kaplayan o felâketin haberi –۱

.O gün yüzler eîlirler –۲

.al p çabalarlar, zahmete girip yorulurlar –۳

.Pek kzgn ate e atlırlar –۴

.Pek ss bir suyla suvarlırlar –۵

,Onlara orada yemek olarak ancak zehirli diken var –۶

.Ne besler ve ne doyurur, açlı defeder –۷

.O gün yüzler , sevinçlidir , ne eye dalar –۸

.al tkırlarından ho nût olurlar –۹

.Yüce cennettedirler –۱۰

.Orada bo sz duymazlar –۱۱

.Orada akan bir pınar var –۱۲

.Orada yükseltildi tahtlar –۱۳

Ve konmu –۱۴

.saraklar

.Ve sra-sra konmu yastklar –۱۵

.Yer-yer yaylm d emeler –۱۶

Hâlâ m bakmazlar deveye, nasl da yaratlm –۱۷

Ve ge, nasl da yüceltilmi –۱۸

Ve dağara, nasl da dikilmi –۱۹

Ve yeryüzüne, nasl da yaylm –۲۰

.Artk korkut,üt ver, sen, ancak bir korkutucusun, birütçü –۲۱

.Onlara mûsâllat olmu biri deİlsin –۲۲

.Ancak kabûl etmeyen ve kâfir olana gelince –۲۳

.Artk onu Allah azaplandrr pek büyük bir azapla –۲۴

.üphe yok ki tapmzdr gelecekleri yer ق –۲۵

.Sonra da üphe yok ki hesaplarn grmek, bize dü er –۲۶

ترجمه آذربایجانی

!Mərhamətli, rəhmli Allahın adı ilə

۱. ?Ya Peyğəmbər! Dəhşəti aləmi) bürüyəcək qiyamətin xəbəri sənə gəlib çatdı mı)

۲. ;O gün) bir çox üzlər zəlil görkəm alacaq)

۳. ;Onlar Cəhənnəmin pillələrinə çıxıb–düşməklə boş yerə) zəhmət çəkib yorulacaq)

۴. ;Yanar oda girəcəkdir

۵. .Və onlara qaynar bulaqdan (su) içirdiləcəkdir

.Onların yeməyi (zəhərdən və acı) zəri'dən başqa bir şey olmayacaqdır .6

.O yemək onlara) nə qüvvət verər, nə də aclıqdan qurtarar) .7

;O gün) bir çox üzlər sevinəcək) .8

;Dünyadakı) zəhmətindən razı qalacaq) .9

,Dərəcəsi, qədir-qiyəti) yüksək Cənətdə olacaq) .10

.Və orada heç bir boş söz (lağlağ) eşitməyəcəkdir .11

;Orada axar bulaq .12

;Orada uca taxtlar .13

;Ceşmələr kənarında) piyalələr) .14

Bir-birinin yanına düzölmüş (yumşaq) balıqlar .15

!Və döşənmiş (nəfis) xalılar vardır .16

?Məgər dəvəyə baxmırlar ki, necə yaradılmışdır .17

?Göyə (baxmırlar ki) necə ucaldılmışdır .18

?Dağlara (baxmırlar ki) necə dikəldilmişdir .19

?Və yerə (baxmırlar ki) necə döşədilmişdir .20

Ya Peyğəmbər! Mənim bəndələrimə) öyüd-nəsihət ver. Sən ancaq öyüd-nəsihət) .21

!verənsən

!Sən onların üzərində hakim deyilsən .22

Lakin .23

kim (imandan) üz döndərib (Qur'anı) inkar etsə

۲۴. Allah onu ən böyük əzaba (axirət əzabına) düçar edər.

۲۵. Şübhəsiz ki, onların axır dönüşü Bizədir.

۲۶. Onlarla haqq-hesab çəkmək də Bizə aiddir.

### ترجمہ اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بے ایمان نہایت رحم والا ہے

۱. بلا تم کو ایمان لینے والی (یعنی قیامت کا) حال معلوم ہوا ہے

۲. اس روز بہت سہ منہ (والہ) ذلیل ہو گئے

۳. سخت محنت کرنے والے تکے ماندے

۴. دھکتی آگ میں داخل ہو گئے

۵. ایک کھولنے والے چشمے کا ان کو پانی پلایا جائے گا

۶. اور خار دار جگہ کے سوا ان کے لیے کوئی کھانا نہیے (ہو گا)

۷. جو نہ فریبی لائے اور نہ بھوک میں کچھ کام آئے

۸. اور بہت سہ منہ (والہ) اس روز شادمانے ہو گئے

۹. اپنے اعمال (کی جزا) سے خوش دل

۱۰. بہشت بریں میں

۱۱. وہ کسی طرح کی بکواس نہیے سنیں گے

۱۲. اس میں چشمے بہ رہے ہوں گے

۱۳. وہ تخت ہو گئے اونچے بچے ہوئے

۱۴. اور آبخور (قرینہ سے) رکھے ہوئے

۱۵. اور گاؤ تکیہ قطار کی قطار لگاؤ وٹو

۱۶. اور نفیس مسندیہ بچلی وٹوئی

۱۷. یہ لوگ اونٹوں کی طرف نہیہ دیکھتے کہ کیسے (عجیب) پیدا کیے گئے ہیں

۱۸. اور آسمان کی طرف کہ کیسا بلند کیا گیا ہے

۱۹. اور پہاڑوں کی طرف کہ کس طرح کہہ کیے گئے ہیں

۲۰. اور زمین کی طرف کہ کس طرح بچھائی گئی

۲۱. تو تم نصیحت کرتے رہو کہ تم نصیحت کرنے والے ہی ہو

۲۲. تم ان

پر داروغہ نہیہ و

۲۳. جس نہ منہ پیرا اور نہ مانا

۲۴. تو خدا اس کو بے عذاب دے گا

۲۵. بیشک ان کو ہمارے پاس لو کر آنا

۲۶. ہر مہم کی کو ان سے حساب لینا

### ترجمہ پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چپه رزيات مهربانه او پوره رحم لرونکې د آيا د غاشيه (د قيامت هغه ور چپه په سختو عذابونو کې به خلک پلوی) کیسه تا ته درغل نه ده

۲. مینه مخونه به (د قیامت) په دغه ور ویریدونکی او ذلیل وی

۳. پرله پس عمل کوونکی، تکلیف کوونکی او ذلیل به وی

۴. هر نرم اور ته به ننوی

۵. له هر نرم چینه څخه به پر ور ل کی

۶. د دوی طعام به بل نه وی خو یواز ضریح (تریخ ازغی لرونکې بدبویه بو)ی

۷. (هغه طعام) چپه نه به یې ربوی او نه به یې له لو خلاصوی (مآه وی)

۸. مینه مخونه به په دغه ور کې کائسته او تازه وی

۹. له خپل کوو ه (چپه دنیا کې یې ک د) به راضی وی

۱۰. په لو جنت کې به وی

۱۱. په هغه کې به کومه چلی خبره نه اوری

۱۲. په د (جنت) کې بهیدوونکې (جاری) چینه ده

۱۳. په د کې لو تختونه دی

۱۴. جامونه (د لاونکیو په اندازه) کیږودل شوی دی

۱۵. او بالټونه ښه ښه (په یوه قطار کې) ایډودل شوی دی

۱۶. او فاخره (اعلی قسم) فرشونه غوړولی شوی دی

۱۷. نو آیا هغوی او ښه نه ښه چي ښه پيدا کوي



١٨. او آسمان ته (نه لوری) چا لرنه اوچت کک شو د
١٩. او غرونو ته (نه لوری) چا لرنه درولی شوی دی
٢٠. او مکه ته (نه لوری) چا لرنه غول شو ده
٢١. نو ته (ا محمده!) ی پوهه که (پند ور که) بکشکه هم دا ته پوهونک (پند ور کونک) ی
٢٢. ته پر هغوی مسلط (زور لرونک) نه ی (چا زور ی مسلمان ک)
٢٣. مگر هغه کوک چا و لرید (له ایمانه ی مخ و او) او کافر شو
٢٤. نو خدای به ی (د قیامت) په لوی عذاب په عذابوی
٢٥. بکشکه چا د دوی رات (رات) خاص موند ته د
٢٦. بیا بکشکه د دوی حساب (هم) زموند سره د

### ترجمه کردی

١. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Bi sond! Ji bona te ra ji bûyera (Qarsê, ku hemû .tiştî kavil dike) peyv hatîye
٢. Di wê rojê da hinek rû hene, melûl dibin
٣. Xebitîne (westîyane) bi kerbî hatine teşqeladanê
٤. Di agirê sor da têne avêtinê
٥. Ji kanîyeke kel da vedixun
٦. Ji pêştirê (berêdara) ererê qe tu xwarina wan tune
٧. Ewa) bi xwarinê qelew nabin, ça ji birçîbûnê jî fereste nabin
٨. (Di wê rojê da hinek rû jî hene, di nava xwarinan da (berxudarin

.Ji bona xebata xwe ye (cihanê) qayîl in .۹

.Ewanan (di behîştê da) qe tu (axiftinê) kêr nehatî nabîhên .۱۰

.Di (behîştê da) kanînê avê wan dikîşin hene .۱۱

.Û textegahên hatine bilind kirinê hene .۱۲

(Û şel bikne (avê) bi tijî amade (hene .۱۳

.Û balgînê rêzkirî (hene .۱۴

Binraxne .۱۵

?Maqey ewan (merivan) îdî li bal devê da mêze nakin, ka ça hatiye afirandinê .١٧

?Ewan) li bal ezman da jî (mêze nakin) ka ça hatiye bilind kirinê) .١٨

?Û li bal çîyan da jî (mêze nakin) ka ça hatine çikandinê .١٩

?Û li bal zemin da jî (mêze nakin) ka ça hatiye çê kirin û raxistinê .٢٠

.Îdî (Muhemmed!) Tu (ji bona wan ra) şîretan bike. Loma bi rastî hey tu şîret karî .٢١

Tu (ferman dêrekî) li ser wan hetibî (Verêhte kirinê) ku bi zor ewan bînî ser gotina .٢٢  
.xwe, nînî

.Lê kîjan (ji piştî şîretan) rû fetilandibe û bibe file .٢٣

.Îdî Yezdan ê ewî bi şapateke meztir bide şapat kirinê .٢٤

.Loma bi rastî vegerandin û êwra wan bal me dane .٢٥

.(Paşê bi rastî hijmara (kirinê wan) li ser meye (emê bihijmir in .٢٦

### ترجمه اندونزی

(Merasa senang karena usahanya, (٩

(Dalam surga yang tinggi, (١٠

(Tidak kamu dengar di dalamnya perkataan yang tidak berguna. (١١) (٢

(Di dalamnya ada mata air yang mengalir. (١٢) (٣

(Di dalamnya ada takhta- takhta yang ditinggikan, (١٣) (٤

(Dan gelas- gelas yang terletak (di dekatnya), (١٤) (٥

(Dan bantal- bantal sandaran yang tersusun,(15) (6

(Dan permadani- permadani yang terhampar.(16) (7

(Maka apakah mereka tidak memperhatikan unta bagaimana dia diciptakan,(17) (8

(Dan langit, bagaimana ia ditinggikan.(18) (9

(Dan gunung- gunung bagaimana ia ditegakkan.(19) (10

(Dan bumi bagaimana ia dihamparkan.(20) (11

Maka berilah peringatan, karena sesungguhnya kamu hanyalah orang yang memberi

(peringatan.(21) (12

(Kamu bukanlah orang yang berkuasa atas mereka,(22) (13

(Tetapi orang yang berpaling dan kafir,(23) (14

(Maka Allah akan mengazabnya dengan azab yang besar. (۲۴) (۱۵)

(Sesungguhnya kepada Kami- lah kembali mereka, (۲۵) (۱۶)

(Kemudian sesungguhnya kewajiban Kami- lah menghisab mereka. (۲۶) (۱۷)

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (۱۸)

(Demi fajar. (۱) (۱۹)

(Dan malam yang sepuluh, (۲) (۲۰)

(Dan yang genap dan yang ganjil, (۳) (۲۱)

(Dan malam bila berlalu. (۴) (۲۲)

Pada yang demikian itu terdapat sumpah (yang dapat diterima) oleh orang- orang  
(yang berakal. (۵) (۲۳)

Apakah kamu tidak memperhatikan bagaimana Tuhanmu berbuat terhadap kaum Ad,  
(۶) (۲۴)

(Yaitu) penduduk Iram yang mempunyai bangunan- bangunan yang tinggi, (۷) (۲۵)

(Yang belum pernah dibangun (suatu kota) seperti itu, di negeri- negeri lain, (۸) (۲۶)

ترجمہ مالیزیائی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Sudahkah sampai kepadamu (wahai Muhammad) perihal hari kiamat yang huru-  
(haranya meliputi? (۱)

(Muka (orang-orang yang kafir) pada hari itu tunduk kerana merasa hina, (۲)

(Mereka menjalankan kerja yang berat lagi berpenat lelah, (۳)

(Mereka tetap menderita bakaran neraka yang amat panas (membakar), - (۴)

(Mereka diberi minum dari matair yang menggelegak panasnya. (۵

(Tiada makanan bagi mereka (di situ) selain dari pokok-pokok yang berduri, (۶

Yang tidak menggemokkan, dan tidak pula dapat menghilangkan sedikit kelaparan  
(pun. (۷

(Sebaliknya) muka (orang-orang yang beriman) pada hari itu berseri-seri, (۸)

Berpuas hati dengan balasan amal usahanya (yang baik yang telah dikerjakannya di  
(dunia), – (۹

Mereka tinggal menetap) di dalam Syurga tinggi (tempat kedudukannya darjatnya),  
((۱۰

(Mereka tidak mendengar di situ sebarang perkataan yang sia-sia, (۱۱

(Di dalam Syurga itu ada matair yang mengalir, (۱۲

(Di situ juga ada pelamin-pelamin (berhias) yang tinggi (tempatny), (۱۳

(Dan piala-piala minuman yang disediakan (untuk mereka), (۱۴

(Dan bantal-bantal yang teratur (untuk mereka berbaring atau bersandar), (۱۵

(Serta hamparan-hamparan yang terbentang. (۱۶

Mengapa mereka yang kafir masih mengingkari akhirat) tidakkah mereka)

(memperhatikan keadaan unta bagaimana ia diciptakan? (۱۷

(Dan keadaan langit bagaimana ia ditinggikan binaannya.? (۱۸

(Dan keadaan gunung-ganang bagaimana ia ditegakkan? (۱۹

(Dan keadaan bumi bagaimana ia dihamparkan? (۲۰

Oleh itu berikanlah sahaja peringatan (wahai Muhammad, kepada manusia, dan janganlah berdukacita kiranya ada yang menolaknya), kerana sesungguhnya engkau

(hanyalah seorang Rasul pemberi ingatan; (۲۱

Bukanlah engkau seorang yang berkuasa memaksa mereka (menerima ajaran Islam

(yang engkau sampaikan itu). (۲۲

(Akan tetapi sesiapa yang berpaling (dari kebenaran) serta ia kufur ingkar, - (۲۳

(Maka Allah akan menyeksanya dengan azab seksa yang sebesar-besarnya. (۲۴

(Sesungguhnya kepada Kamilah kembalinya mereka, (۲۵

(Selain dari itu, sesungguhnya tanggungan Kamilah soal menghitung amal mereka. (۲۶

ترجمہ سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

1. Je, imekufikia khabari ya Kiyama ?

2. Siku hiyo nyuso zitakuwa na huzuni.

3. Zitatumika na kutaabika.

- .Zitaingia katika Moto mkali .۴
- .Watanyweshwa katika chemchem ichemkayo .۵
- .Hawatakuwa na chakula isipokuwa cha miba .۶
- .Hakinenepeshi wala hakifai kwa njaa .۷
- .Nyuso siku hiyo zitanawiri .۸
- .Watakuwa radhi kwa amali yake .۹
- .Katika Bustani tukufu .۱۰
- .Humo hutasikia upuuzi .۱۱
- .Humo mna chemchem inayotiririka .۱۲
- .Humo mna viti vya fakhari .۱۳
- .Na vikombe vilivyowekwa .۱۴
- .Na mito iliyopangwa .۱۵
- .Na ma^ulia yaliyotandikwa .۱۶
- .Je, hawamtazami ngamia namna gani alivyoumbwa .۱۷
- ?Na mbingu namna gani zilivyoinuliwa .۱۸
- ?Na milima jinsi ilivyosimikwa .۱۹
- ?Na ardhi jinsi ilivyotandazwa .۲۰



۲۱. Basi kumbusha hakika wewe ni Mkumbushaji tu.

۲۲. Wewe si mwenye kuwatawalia.

۲۳. Lakini anayerudi nyuma na kukataa.

۲۴. Mwenyeezi Mungu atamuadhibu adhabu kubwa sana.

۲۵. Hakika marejeo yao ni kwetu.

۲۶. Kisha bila shaka hesabu yao ni juu yetu.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۴۵۴

(۸۸) سوره غاشیه مکی است و بیست و شش آیه دارد (۲۶)

[سوره الغاشیه (۸۸): آیات ۱ تا ۲۶] ترجمه آیات به نام خداوند بخشنده مهربان.

آیا داستان غاشیه یعنی روز قیامت به تو رسیده است؟ (۱).

در آن روز چهره هایی از شدت شرمساری، حالت ذلت به خود می گیرند (۲).

از سیمایشان این معنا خوانده می شود که در دنیا تلاش بسیار کرده اند و در اینجا تلاشهای خود را بی فایده یافته اند و در

نتیجه خستگی دنیا از تنشان بیرون نرفته (۳).

داخـل آتـش \_\_\_\_\_ می \_\_\_\_\_وزان می شونـد \_\_\_\_\_د (۴).

صفحه ی ۴۵۵

و از چشمه ای فوق العاده داغ به آنها می نوشانند (۵).

طعامی جز از خار تهوع آور ضریع ندارند (۶).

که آنها نه کسی را فربه می کند و نه گرسنگی را دفع می سازد (۷).

چهره هایی دیگر در آن روز خرسند و با طراوتند (۸).

پیداست که از تلاش خود در دنیا راضیند (۹).

آنان در باغی بلند هستند (۱۰).

که در آن هیچ سخن بیهوده نمی شنوند (۱۱).

در آن چشمه ای روان است (۱۲).

در آن تختهایی بلند مرتبه است (۱۳).

و قدحهایی (که در کنار این چشمه ها) نهاده (۱۴).

و بالش ها (و پشتیهای) ردیف شده (۱۵).

و فرشهایی گسترده (۱۶).

راستی این منکرین خدا و قیامت چرا در باره شتر زیر پای خود نظر نمی کنند که چسان خلق شده؟ (۱۷).

و به آسمان که چسان برافراشته شده؟ (۱۸).

و به کوه ها که چسان پای بر جا و استوار شده؟ (۱۹).

و به زمین که چسان گسترده

گشته؟ (۲۰).

پس تو ای پیامبر ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همین تذکر است (۲۱).

و گرنه تو بر آنان تسلطی نداری، تذکر را هم تنها به کسانی بده که تذکر پذیرند (۲۲).

نه آنها که اعراض کرده و کفر ورزیدند (۲۳).

که خدا ایشان را به عذاب اکبر قیامت شکنجه خواهد کرد (۲۴).

آری محققا به سوی ما می آیند (۲۵).

و حسابشان به عهده ما است (۲۶).

بیان آیات سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و "غاشیه" همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می کند و در این سوره قیامت را با شرح حال مردم توصیف می کند از این  
صفحه ی ۴۵۶

جهت که به دو دسته تقسیم می شوند سعیدها و شقی ها و هر طائفه ای در جایی که برایشان آماده شده مستقر می گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ و رشته کلام بدینجا کشیده می شود که رسول خدا (ص) را دستور می دهد که مردم را تذکر دهد به اینکه مقام ربوبی چه فنونی از تدبیر در این عالم بکار برده، فنونی که هر یک دلالت دارد بر ربوبیت او برای همه عالم و برای خصوص ایشان و اینکه بازگشتشان به سوی او و حسابرسی اعمالشان با او است، و این سوره به شهادت سیاقی که آیاتش دارد در مکه نازل شده است.

"هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ" این جمله استفهامی است اما نه به منظور سؤال جدی بلکه به منظور مهم جلوه دادن مطلب، و مراد از کلمه "غاشیه" روز قیامت است و اگر آن را غاشیه نامیده اند یا برای این است که انسانها را از هر جهت فرا می گیرد هم چنان که

در جای دیگر درباره فراگیری قیامت به طور شکفته و باز فرموده: " وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا " (۱)، و یا به قول بعضی (۲) ها از این جهت است که مواقف و مناظر هولناکش ناگهان مردم را فرا می گیرد و یا به خاطر این بوده که روز قیامت وجوه کفار را به عذاب خود فرا می گیرد.

" وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ " یعنی چهره هایی در آن روز از شدت اندوه و عذاب ذلیل و شرمسار است و این شرمساری بر آن چهره ها فراگیر می شود و " خشوع "، حالت و وصف انسان ها است ولی در این آیه به وجوه آنان نسبت داده و این بدان جهت است که چهره از هر عضو دیگری حالت خشوع درونی را می نمایاند.

[وجه تسمیه قیامت به " غاشیه- فرا گیرنده " و معنای اینکه در قیامت وجوهی خاشعه اند و " عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ "]

" عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ " مصدر " نصب " که اسم فاعل ناصبه از آن مشتق است به معنای تعب و کوفتگی است، و در این آیه کلمه " عامله " خبر بعد از خبری است که از وجوه داده. و همچنین کلمه " ناصبه " که بعد از عامله آمده، و نیز کلمات " تصلی "، و " تسقی "، و " لیس لهم "، همه خبرهایی هستند برای کلمه " وجوه "، و مراد از عمل و نصب، به قرینه اینکه در مقابل صفت اهل جنت یعنی جمله " لِسَعِيْهَا رَاضِيَةٌ " قرار گرفته، این است که اهل دوزخ خستگی تلاشی \_\_\_\_\_

(۱) ما ایشان را محشور کردیم به طوری که حتی یک نفر از آنان از قلم ما نیفتاد. سوره کهف، آیه ۴۷.

ص ۱۵۰.

فخر رازی، ج ۳۱،

(۲) تفسیر \_\_\_\_\_

صفحه ی ۴۵۷

که در دنیا کردند از نشان در نمی آید، به خلاف

اهل بهشت که وقتی تلاش خود را سودمند می‌یابند خستگی از نشان بیرون می‌آید، چون انسان هر تلاشی که در دنیا می‌کند به منظور تامین سعادت خود می‌کند، منظورش این است که به هدف خود نائل آید، و دوزخیان در قیامت می‌بینند که آنچه در دنیا تلاش کردند بی نتیجه مانده و خردلی سودمند نبوده، هم چنان که در جای دیگر فرموده: "وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا" (۱)، در نتیجه از اعمالی که داشتند چیزی به جز خستگی عایدشان نمی‌شود، به خلاف اهل بهشت که از سعی و عمل خود راضیند، چون همه به صورت بهشت و راحتی مبدل گشت.

بعضی (۲) گفته‌اند: مراد از جمله مورد بحث این است که اهل دوزخ در دوزخ عمل می‌کنند و خسته می‌شوند، چون دوزخ محل انواع شکنجه‌ها است، یکی از انحای شکنجه کار بدون مزد و نتیجه کردن و خسته شدن است.

بعضی (۳) دیگر گفته‌اند: مراد این است که دوزخیان به نافرمانی خدا عمل می‌کنند، و در آتش قیامت خسته می‌شوند.

"تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً" یعنی ملازم آتشی هستند در نهایت درجه حرارت.

"تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ" یعنی از چشمه‌ای می‌نوشند که در نهایت درجه حرارت است.

"لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ" بعضی (۴) گفته‌اند: "ضریح" نام نوعی از تیغ‌ها است که به آن "شیرق" هم می‌گویند، و اهل حجاز آن را وقتی خشک شد ضریح می‌نامند، و ناگوارترین و تهوع‌آورترین گیاه است که هیچ حیوانی آن را نمی‌خورد، و شاید نامیدن آنچه در آتش است به نام ضریح، صرفاً از نظر شباهت در شکل و خاصیت

بوده باشد.

"وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ" کلمه "ناعمه" یا از "نعومه" است، پس عبارت آیه کنایه است از بهجت و سروری که از باطن به ظاهر انسان سرایت می کند، و هر بیننده را از مسرت باطنی با خبر می سازد،

(۱) به اعمالی که آنان در دنیا کردند می پردازیم و همه را هیچ و پوچ می کنیم. سوره فرقان، آیه ۲۳.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۸.

۳) و ۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۹. صفحه ی ۴۵۸

هم چنان که در جای دیگر فرموده "تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ" (۱)، و یا از "نعمت" است که در این صورت ناعمه به معنای متنعمه خواهد بود.

بعضی (۲) گفته اند: اگر جمله مورد بحث را با حرف "واو" به جمله قبلی عطف نکرده، برای این بوده که به کمال بینونت و اختلاف بین حال دو فریق اشاره کند.

"لَسِيْعِيهَا رَاضِيَةٌ" این "لام" را در اصطلاح، لام تقویت می گویند و مراد از "سعی" تلاش و فعالیت دنیایی با اعمال صالح است.

و معنای آیه این است که: جوهری که در آن روز ناعم است از کار خود راضی است، چون کارش همه اعمال صالح است، که به بهترین جزا پاداش داده شده است.

[وصف جنت عالیه ای که چهره های ناعمه در قیامت در آن جای دارند]

"فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ... وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ" مراد از "عالی بودن بهشت" ارتفاع درجات و شرافت و جلالت قدر و گوارایی عیش آن است، چون در بهشت حیاتی هست که دنبالش مماتی نیست، و لذتی است که آمیخته با الم و درد نیست، و سروری هست که مشوب با هیچ غم و اندوهی نیست، و اهل بهشت نه تنها هر

چه دوست بدارند در دسترسشان هست، بلکه لذایذی هست که ما فوق خواست آنان است.

"لَا تَسْمِعُ فِيهَا لِأَعْيُنِهِ" - یعنی وجوه نامبرده و یا به عبارتی اهل بهشت، در بهشت حتی یک کلمه لاغیه - بیهوده و بی فایده - نمی شنوند.

"فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ" - مراد از کلمه "عین" جنس چشمه است، نه اینکه بخواهد بفرماید در بهشت تنها یک چشمه هست، چون در جای دیگر صریحا فرموده در بهشت چشمه هایی هست، مانند "چشمه سلسبیل" و "چشمه شراب" و "چشمه طهور" و غیر آن.

"فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ" - کلمه "سرر" جمع "سریر-تخت" است، و منظور از "مرفوع بودن تخت"، مرفوع بودن مقام و منزلت کسی است که بر آن تکیه می زند.

"وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ" - کلمه "اکواب" جمع "کوب" است، که به معنای آفتابه بدون خرطوم و دسته است (که در فارسی آن را تنگ می گویند) که در آن شراب می گیرند.

"وَ نَمَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ" - کلمه "نمارق" جمع "نمرقه" است، که به معنای بالش و پستی است، که بدان تکیه می دهند. و "مصفوفه بودن نمارق" به این معنا است که این پستی ها را در مجلس پشت سر هم بگذارند، همانطور که در مجالس فاخر دنیا چنین می کنند.

---

(۱) خرمی برخورداری از نعمت از سر و رویشان پیداست. سوره مطففین، آیه ۲۴.

(۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۱۴.

صفحه ی ۴۵۹

"وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ" - کلمه "زرابی" جمع "زربیه" است که هم با فتحه اول و هم با ضمه و هم با کسره آن خوانده می شود، و زربیه به معنای بساط فاخر است، و منظور از مَبْثُوثَةٌ آن مبسوطه بودن و گسترده شدن آن است، تا رویش بنشینند.

[دعوت به نظر در مظاهر تدبیر الهی]

" أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ " بعد از آنکه اوصاف غاشیه و حال دو طایفه مؤمن و کافر را بیان نمود، دنبالش اشاره ای اجمالی کرد به تدبیر ربوبی که به خوبی دلالت بر ربوبیت خدای تعالی می کند، ربوبیتی که مقتضی وجوب عبادت است، و لازمه آن هم رسیدن به حساب اعمال و جزا دادن به مؤمن و کافر است، مؤمن را در برابر ایمانش، و کافر را در برابر کفرش، و ظرفی که این حساب و جزا در آن واقع می شود همان روز غاشیه است.

در این آیه منکرین ربوبیت خدای تعالی را نخست دعوت می کند به اینکه در کیفیت خلقت شتر نظر و دقت کنند که چگونه خلق شده، و خدای تعالی آن را چگونه از زمینی مرده و فاقد حیات و بی شعور به این صورت عجیب در آورده، صورتی که نه تنها خودش عجیب است، بلکه اعضا و قوا و افعالش نیز عجیب است، و این هیکل درشت را مسخر انسانها کرده، (یک کودک از انسانها افسارش را می کشد، و به هر جا بخواهد می برد)، و انسانها از سواری و بارکشی و گوشت و شیر و پوست و کرکش و حتی از بول و پشگلش استفاده می کنند، آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد، و در خلقت او برای انسان هیچ غرضی در کار نبوده، و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آن و سایر نعمت ها ندارد؟

و اگر در بین همه تدابیر الهی و نعمت هایش خصوص تدبیر در خلقت شتر را ذکر کرد، از این جهت



است که سوره مورد بحث در مکه نازل شده و جزو اولین سوره هایی است که به گوش مردم عرب می خورد، و در مکه در آن ایام داشتن شتر از ارکان اصلی زندگیشان بوده.

"وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ" و چرا به آسمان نمی نگرند که چگونه افراشته شده، و به قندیل های پر نور چون خورشید و ماه و ستارگان درخشنده آراسته گشته، و در زیر آن کره هوا قرار داده شده که مایه بقای هر جاندار است و بدون تنفس آن هوا زنده نمی ماند.

"وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ" و چرا به کوه ها نمی اندیشند که چگونه ایستاده اند، و ریشه های آنها مانند میخ اجزای  
صفحه ی ۴۶۰

زمین را بهم میخکوب کرده، و از مخازن آن چشمه ها و نهرها جاری می شود، و معادن را در سینه خود حفظ می کنند.

"وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ" و چرا به وضع خلقت زمین فکر نمی کنند که چگونه گسترده شده، به طوری که شایسته سکنی برای بشر گشته و نقل و انتقال در آن آسان و انواع تصرفات صناعی که انسانها دارند در آن مسیر گشته است؟ پس تدابیر کلی همه اش بدون هیچ شکی مستند به خدای تعالی است، بنا بر این، او رب آسمان و زمین و موجودات بین آنها است، در نتیجه رب عالم انسانی هم او است که بر انسانها واجب است ربوبیتش را گردن نهند، و یگانه در ربوبیتش بدانند و تنها او را پرستند، و چگونه واجب نباشد با اینکه در پیش رویشان عالم آخرت و غاشیه را دارند که به حسابشان رسیدگی شده، جزای نیک و بدشان را می بینند.

"فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ" این جمله به

دلیل اینکه حرف "فاء" بر سر دارد تفریع بر مطالب گذشته و نتیجه گیری از آن است، و معنایش این است که وقتی معلوم شد خدای سبحان رب ایشان است و رب دیگری سوای او ندارند، و نیز معلوم شد که در پیش رو یوم الحساب و یوم الجزا را دارند که در آن روز مؤمن و کافرشان جزا داده می شوند، پس تو ای پیامبر ایشان را به این حقایق تذکر بده که "إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ"، وظیفه تو - که پیامبر خدایی - تنها همین تذکر دادن است، به امید اینکه دعوتت را اجابت کنند و به طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار ایمان آورند.

"لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ" کلمه "مصیطر" در اصل "مسیطر" با سین بوده، که به معنای متسلط است، و جمله مورد بحث بیان و تفسیر جمله "إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ" است.

[توضیحی راجع به استثناء "إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" از "فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ"]

"إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" این جمله استثنایی است از مفعول جمله "فذكر" که در کلام نیامده بود، و تقدیر کلام چنین است: "فذكر الناس انما انت مذکر و لست عليهم بمصیطر الا من تولى منهم عن التذکره و کفر - مردم را تذکر بده که وظیفه تو تنها تذکر دادن است، تو دست زور به ایشان نداری مگر افرادی از ایشان که از تذکر و پندگیری روی گردانند و کفر می ورزند"، چون تذکر دادن آن جناب به افراد آن چنانی لغو و بی فایده است و معلوم است که تولى و اعراض و کفر، همواره بعد از تذکر رخ می دهند، پس آنچه با این استثناء نفی شد تذکر مکرر است،

گویا فرموده: تو به ایشان تذکر بده و تذکر خود را پی بگیری و آن را قطع مکن، مگر از کسی که

صفحه ی ۴۶۱

یک بار و دو بار تذکرش دادی و او روی گردانید و کفر ورزید که در این صورت دیگر لازم نیست به تذکر خود ادامه دهی، بلکه باید از او اعراض کنی، تا خدای تعالی به عذاب بزرگتر معذبش سازد.

پس جمله "فَذَكِّرْ... إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ فَيَعِذُّهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ" در معنای آیه زیر است که می فرماید: "فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الدُّكْرَى... وَ يَنْجِبُهَا الْأَشَقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى «۱» که رجمه و بیانش گذشت.

بعضی «۲» از مفسرین درباره این استثناء گفته اند: استثناء منقطع و به معنای لیکن است، و معنای آیه این است که تو بر آنان دست زور نداری، و لیکن هر کس که از دعوت تو اعراض کند و کفر بورزد خدای تعالی به عذاب اکبر گرفتارش می کند، ولی آنچه به نظر ما رسید، بهتر و به ذهن نزدیک تر است.

بعضی «۳» دیگر گفته اند: استثناء متصل است، و مستثنی منه آن کلمه "علیهم" است، و معنایش این است که تو دست زوری به مردم نداری، مگر به کسی که از تذکر روی گردان شود و کفر بورزد که خدای تعالی به زودی تو را بر او مسلط نموده، دستور می دهد تا با او جهاد و قتال کنی، و در آخر به قتلش برسانی.

"فَيَعِذُّهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ" منظور از عذاب اکبر عذاب جهنم است، پس آیه شریفه همانطور که گفتیم محاذی آیه سوره اعلی است که می فرمود: "الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى .

" إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابُهُمْ " مصدر " إياب "

به معنای بازگشتن است، و کلمه "الینا" خبر مقدم برای کلمه "ان" است، و اگر جلوتر ذکر شده برای تأکید و نیز برای رعایت فواصل آیات بوده نه اینکه بخواهد انحصار را برساند، چون هیچ کس نگفته که مردم بعد از مرگ بغیر خدای سبحان بر می گردند، تا آیه شریفه بفرماید: تنها برگشتشان به سوی ما است، و این جمله در مقام بیان علت عذاب اکبر در آیه قبل است.

"ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ" گفتار در باره این آیه همان گفتاری است که در آیه قبل داشتیم.

---

(۱) سوره اعلی، آیه ۹-۱۲.

(۲) و (۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۱۷.

صفحه ی ۴۶۲

بحث روایتی [(روایاتی در ذیل آیات "عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ" "فَذَكِّرْهُ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ" و در باره حساب اعمال)]

در مجمع البیان آمده که ابو عبد الله امام صادق (ع) فرمود: هر مسلمان ناصبی که با علی (ع) و دودمانش دشمنی می ورزد، هر چند اهل عبادت و ریاضت باشد، سرانجامش به این آیه است که می فرماید: "عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً" (۱).

مؤلف: این روایت را صاحب کتاب ثواب الاعمال هم با ذکر سند نقل کرده، به این عبارت که هر ناصبی هر چند اهل عبادت و ریاضت باشد سرانجام به این عاقبت می رسد که آیه "عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً" بیانگر آن است (۲).

و در همان کتاب از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: "ضریع" چیزی است که در آتش دوزخ شبیه بخار که از صمغ صبر تلخ تر، و از جیفه متعفن بدبو تر، و از آتش سوزنده تر است، و نام ضریع را خدای تعالی بر آن نهاده (۳).

و در تفسیر قمی در

ذیل آیه "لا- تَسْمَعُ فِيهَا لِاِغْيَةِ" آمده که امام فرمود: لا-غیه به معنای شوخی و دروغ است. و در معنای جمله "لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ" فرمود یعنی تو نه حافظ ایشانی، و نه نویسنده اعمالشان «۴».

و در الدر المنثور است که ابن ابی شیبیه، احمد، عبد بن حمید، مسلم، ترمذی، نسایی، ابن ماجه، ابن جریر، حاکم، ابن مردویه، و بیهقی در کتاب "الاسماء و الصفات" از جابر روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: من مامور شدم به اینکه با مردم جنگ کنم تا بگویند "لا- اله الا- الله"، همین که این کلمه را گفتند از ناحیه من اموال و خونهایشان محفوظ و محترم خواهد بود، و من جز به حق نه مالی از ایشان می ستانم و نه خونی می ریزم، حال چه اینکه گفتن این کلمه توأم با اعتقاد درونی باشد، و چه صرف لقلقه زبان، حساب این معنا با خداست، آن گاه این آیه را قرائت کردند: "فَذَكِّرْهُ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ" «۵».

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

(۲) ثواب الاعمال، ص ۲۴۷، ح ۳.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۸ و ۴۱۹.

(۵) الـدر المنثور، ج ۶، ص ۳۴۳.

صفحه ی ۴۶۳

مؤلف: این روایت دلالتی بر این معنا ندارد که استثناء در جمله "إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" از ضمیر در "عليهم" است «۱».

و نیز در همان کتاب یعنی تفسیر قمی در روایت ابی الجارود از امام ابی جعفر (ع) در ذیل آیه "إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" آمده که منظور کسی است که از تذکر تو متعظ نشود و تو را تصدیق نکند، و ربوبیت

مرا انکار کند و نعمت مرا کفران نماید، "فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ" منظور عذاب غلیظ و شدید و دائمی است "إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ" یعنی بازگشتشان به سوی ما است، "ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ"، یعنی جزایشان با ما است «۲».

و در نهج البلاغه آمده که شخصی از امیر المؤمنین (صلوات الله علیه) پرسید: چگونه خدای عز و جل به حساب اعمال خلائق با آن کثرت که در آنهاست می رسد؟ فرمود: به همان جوری که رزقشان را می دهد، و با آن کثرتی که در عدد آنهاست رزق هیچ جنبنده ای را فراموش نمی کند. شخصی پرسید چطور به حساب آنان می رسد، با اینکه خلائق او را نمی بینند؟ فرمود همانطور که روزیشان می دهد، با اینکه خلائق او را نمی بینند «۳».

و نیز در همان کتاب است که امام صادق (ع) فرمود: حساب هر امتی را امام زمانش می رسد و امامان، دوست داران خود و اعدایشان را به سیمایشان می شناسند، و این کلام خداست که می فرماید: "وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - بر اعراف مردانی هستند که هر کسی را به سیمایش می شناسند ... «۴»"

مؤلف: در سابق یعنی در تفسیر همین آیه از سوره اعراف توضیح معنای این حدیث گذشت، و این معنا در کتاب بصائر الدرجات «۵» نیز از امام صادق و با سند نقل شده و کافی «۶» آن را از امام باقر و امام کاظم (علیهما السلام) و فقیه «۷» آن را از امام هادی (ع) در ضمن زیارت جامعه روایت کرده.

---

(۱) چون بنا به نظریه ما نیز این روایت درست است، ما گفتیم آیه شریفه متعرض تذکرات پی در پی است، که در مورد کفار معاند لغو و

در مورد سایرین واجب و وظیفه مقام رسالت است، و روایت متعرض مساله دیگری است، و آن این است که من مامورم با کفار بجنگم و بجنگم تا زمانی که به کلمه "لا اله الا الله" اقرار کنند هر چند زبانی، " مترجم".

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۱۹.

(۳) نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۵۲۸، خطبه ۳۰۰.

(۴) نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۷۰ به نقل از تفسیر قمی.

(۵) نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۹ به نقل از بصائر الدرجات.

(۶) نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۶۸ به نقل از کافی.

(۷) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۲.

## تفسیر نمونه

سوره غاشیه

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۲۶ آیه دارد

محتوا و فضیلت سوره ((غاشیه))

این سوره که از سوره های مکی است عمدتاً بر سه محور دور می زند:

((محور اول)) بحث ((معاد)) است، مخصوصاً کیفرهای دردناک مجرمان و پادشاهای شوق انگیز مؤمنان.

((محور دوم)) بحث ((توحید)) است که با اشاره به آفرینش آسمان و خلقت جبال و زمین و توجه انسانها به این سه موضوع اسرار آمیز بیان شده.

و ((محور سوم)) بحث از ((نبوت)) و گوشه ای از وظائف پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و در مجموع اهداف سوره های مکی را که تقویت مبانی ایمان و اعتقاد است تعقیب می کند.

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: من قراءها حاسبه الله حساباً یسیراً: ((هر کس آن را تلاوت کند خداوند حساب او را در قیامت آسان می کند.

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : ((کسی که مداومت بر قرائت این سوره در نمازهای فریضه یا نافله کند خداوند او را تحت پوشش رحمت خود در دنیا و آخرت قرار می دهد، و در قیامت او را از عذاب آتش امان می بخشد.

و مسلما این همه ثواب و فضیلت در صورتی عائد می شود که تلاوت انگیزه اندیشه و عمل گردد.

تفسیر :

خستگان بی نصیب !

در آغاز این سوره به نام تازه ای درباره قیامت برخورد می کنیم که آن ((غاشیه)) است ، می فرماید:

((آیا داستان غاشیه به تو رسیده است))؟! (هل اتیک حدیث الغاشیه) ((غاشیه)) از ماده ((غشاهه)) به معنی پوشاندن است ، انتخاب این نام برای قیامت به خاطر آن است که حوادث وحشتناک آن ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می دهد.

بعضی گفته اند به خاطر آن است که خلق و اولین و آخرین در آن روز برای حساب جمع می شوند.

و نیز گفته اند که منظور آتشی است که چهره های کفار و مجرمان را می پوشاند.

ولی تفسیر اول از همه مناسب تر است .

ظاهر این است که مخاطب در این آیه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ذکر این جمله به صورت استفهام از شخص پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای بیان عظمت و اهمیت آن روز بزرگ است .

بعضی نیز احتمال داده اند که مخاطب در این آیه هر انسانی است ، ولی این معنی بعید به نظر می رسد.

سپس به بیان



چگونگی حال مجرمان پرداخته ، می گوید: ((چهره هایی در آن روز خاشع و ذلت بار است )) (وجوه یومئذ خاشعه ).

ذلت و ترس از عذاب و کیفرهای عظیم آن روز تمام وجود آنها را فرا گرفته ، و از آنجا که حالات روحی انسان بیش از همه جا در چهره او منعکس می شود، اشاره به خوف و ذلت و وحشتی می کند که سراسر چهره آنها را می پوشاند

بعضی نیز گفته اند: منظور از ((وجوه )) در اینجا بزرگان و سردمداران کفر است که در ذلت عمیقی فرو می روند، ولی معنی اول مناسب تر به نظر می رسد.

آنگاه می افزاید: ((اینها کسانی هستند که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند))، (عامله ناصبه ).

تلاش و کوشش زیادی در زندگی دنیا به خرج می دهند، ولی هیچ فایده ای جز خستگی در حقیقت نصیبشان نمی شود، نه عمل مقبولی در درگاه خدا دارند، و نه چیزی از آنهمه ثروتهایی که اندوخته اند می توانند با خود ببرند، و نه نام نیکی از خود به یادگار می گذارند، و نه فرزند صالحی ، آنها زحمتکشان خسته و بینوایند، و چه تعبیر رسایی است جمله ((عامله ناصبه )) در حق آنان .

بعضی در تفسیر این جمله گفته اند: منظور این است که در این دنیا عمل می کنند، اما خستگی و رنج در آخرت می برند!

و بعضی گفته اند: مجرمان را در دوزخ وادار به انجام اعمال شاقه و طاقت فرسا می کنند تا عذاب بیشتری بینند.

اما تفسیر اول از میان این سه تفسیر صحیح تر به نظر می رسد.

سرانجام این زحمتکشان خسته و بیهوده

گر، وارد آتش داغ و سوزان می شوند و با آن می سوزند)) (تصلی نارا حامیه).

((تصلی)) از ماده ((صلی)) (بر وزن نفی) به معنی ورود در آتش و ماندن و سوختن با آن است. <۳>

ولی مجازات آنها به همین جا ختم نمی گردد، بلکه هنگامی که بر اثر حرارت آتش تشنه می شوند ((از چشمه ای فوق العاده سوزان به آنها می نوشانند)) (تسقی من عین آئیه).

((آئیه)) مؤنث ((آنی)) از ماده ((انی)) (بر وزن حلی) به معنی تاءخیر افکندن است، و برای بیان فرا رسیدن وقت چیزی گفته می شود، و در اینجا به معنی آب سوزانی است که حرارتش به منتها درجه رسیده است.

در آیه ۲۹ سوره کهف می خوانیم: و ان یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه بئس الشراب و ساءت مرتفقا: ((و اگر تقاضای آب کنند آبی برای آنها می آورند مانند فلز گداخته که صورتهایشان را بریان می کند، چه بد نوشیدنی است و چه بد محل اجتماعی؟!))

و در آیه بعد درباره خوراک آنها به هنگامی که گرسنه می شوند بعد می افزاید: ((آنها طعامی جز ضریع ندارند)) (لیس لهم طعام الا من ضریع).

در اینکه ((ضریع)) چیست؟ مفسران تفسیرهای گوناگونی دارند: بعضی گفته اند: نوعی خار است که به زمین می چسبد، هنگامی که تر باشد قریش آن را ((شبرق)) می نامیدند، و هنگامی که خشک می شد آن را

((ضریع)) می گفتند، گیاهی است سمی که هیچ حیوان و چهارپایی به آن نزدیک نمی شود. <۴>

((خلیل)) از علمای

لغت می گوید: ((ضریع)): ((گیاه سبز بدبویی است که از دریا بیرون می افتد)).

((ابن عباس)) گفته است: ((درختی است از آتش که اگر در دنیا باشد زمین و هر چه را بر آن است می سوزاند))!

ولی در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم: ((ضریع چیزی است که در آتش دوزخ، شبیه خار، تلخ تر از صبر، و متعفن تر از مردار، و سوزنده تر از آتش، خداوند آن را ضریع نام نهاده است)) (الضریع شیء یكون فی النار یشبه الشوک، اشد مراره من الصبر، و اتن من الجیفة، و احر من النار، سماه الله ضریعا).

بعضی نیز گفته اند: ((ضریع)) طعامی است ذلت آفرین که دوزخیان برای رهایی از آن به درگاه خدا تضرع می کنند <۵> فراموش نکنیم که ماده ضرع به معنی ضعف و ذلت و خضوع است (<۶> این تفسیرها با هم منافاتی ندارد و ممکن است در معنی این واژه جمع باشد.

سپس می افزاید: ((نه آنها را فربه می کند و نه گرسنگی را فرو می نشاند)) (لا یسمن و لا یغنی من جوع).

مسلم چنین غذایی برای تقویت جسم و فرونشاندن گرسنگی نیست، غذایی است گلوگیر که خود نوعی عذاب است، چنانکه در آیه ۱۳ مزمل می خوانیم: و طعاما ذا غصه و عذابا الیما: ((نزد ما غذاهایی است گلوگیر و غذایی است دردناک))!

آنها که در این دنیا انواع غذاهای لذیذ و چرب و شیرین را از طریق ظلم و تجاوز به حقوق دیگران فراهم کردند، و

آنها که اجازه ندادند محرومان جز از غذاهای گلوگیر و ناگوار استفاده کنند، باید در آنجا غذایی داشته باشند که ((عذاب الیم)) آنها گردد.

البته همانگونه که بارها گفته ایم نه نعمتهای بهشتی، و نه عذابه‌های دوزخی را می‌توان برای ما محبوسان زندان دنیا توصیف کرد، اینها همه اشاراتی است و تنها شبیهایی است که از دور می‌بینیم. دورنمایی از نعمتهای روحپرور بهشتی

به دنبال توصیفی که در آیات گذشته از حال مجرمان و بدکاران در جهان دیگر و عذابه‌های دوزخی آمده، در این آیات به شرح حال مؤمنان نیکوکار، و توصیف نعمتهای بی‌ظنیر بهشتی می‌پردازد، تا ((قهر)) را با ((مهر)) بیامیزد، و ((انذار)) را با ((بشارت)) همراه سازد.

می‌فرماید: ((چهره‌هایی در آن روز شاداب و با طراوت و غرق در سرور است)) (وجوه یومئذ ناعمه).

به عکس چهره بدکاران که در آیات قبل به آن اشاره شده بود که غرق ذلت و اندوه است.

((ناعمه)) از ماده ((نعمه)) در اینجا اشاره به چهره‌هایی است که غرق نعمت شده و تر و تازه و شاداب و مسرور و نورانی است، همانگونه که در آیه ۲۴ سوره مطففین آمده است که در توصیف بهشتیان می‌فرماید: تعرف فی وجوههم نضرة النعیم: ((در چهره‌های آنها طراوت و خرمی نعمت را مشاهده می‌کنی)).

این چهره‌ها چنان می‌نماید که از سعی و تلاش خود راضی و خشنود است)) (لسعیها راضیه).

به عکس دوزخیان که از تلاش و کوشش خود جز خستگی و رنج بهره‌ای

نبردند و ((عامله ناصبه))

بودند، بهشتیان نتایج تلاش و کوشش خود را به احسن وجه می بینند و کاملاً راضی و خشنودند.

تلاشهایی که در پرتو لطف خدا به اضعاف مضاعف، گاه ده برابر، و گاه هفتصد برابر، و گاه بیشتر، رشد و نمو یافته، و گاهی با آن جزای بی حساب را خریداری کرده اند: ((انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب)) (زمر - ۱۰).

سپس به شرح این مطلب پرداخته، می گوید: آنان در بهشتی عالی قرار دارند)) (فی جنه عالیه).

واژه ((عالیه)) ممکن است اشاره به علو مکانی باشد، یعنی آنها در طبقات عالی بهشتند، و یا ((علو مقامی)) و هر دو احتمال را مفسران گفته اند، ولی تفسیر دوم مناسبتر به نظر می رسد، هر چند جمع میان دو معنی نیز ممکن است.

بعد به توصیف دیگری از این بهشت که جنبه روحانی و معنوی دارد پرداخته می افزاید: ((در آنجا هیچ سخن لغو و بیهوده ای را نمی شنوی)) (لا تسمع فیها لاغیه). <۷>

نه سخنی که حاکی از نفاق باشد، یا عداوت و جنگ و جدال، و یا کینه - تیزی و حسد، نه سخنان دروغ، نه تهمت و افتراء، نه غیبت و ایذاء، و نه حتی لغو و بی فایده.

و چه آرامبخش است محیطی که از همه این سخنان پاک باشد، و اگر درست بیندیشیم قسمت عمده ناراحتیهای زندگی دنیا از شنیدن اینگونه سخنان است که آرامش روح و جان و نظامات اجتماعی را برهم می زند و آتش فتنه ها را

شعله ور می سازد.

بعد از ذکر این نعمت روحانی و آرامش که بر

روح و جان بهشتیان به خاطر نبودن سخنان لغو و بیهوده حکم فرماست به بیان قسمتی از نعمتهای مادی بهشت پرداخته ، می گوید: ((در آن بهشت چشمه ها جاری است)) (فیها عین جاریه).

گرچه ((عین)) در اینجا ((نکره)) است و معمولاً نکره برای بیان یک فرد می آید، ولی به قرینه سایر آیات قرآن معنی جنس دارد، و شامل چشمه های مختلف می شود، همانگونه که در آیه ۱۵ ذاریات می خوانیم: ان المتقین فی جنات و عیون: ((پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و چشمه ها قرار دارند))

بعضی نیز گفته اند در هر قصری از قصرهای بهشتیان چشمه ای جاری است و مفرد بودن ((عین)) در اینجا ناظر به آن است ، چشمه ای که مطابق میل بهشتیان به هر طرف که بخواهند جریان پیدا می کند، و نیازی به شکافتن نهر و ساختن بستر ندارد.

البته وجود چشمه های متعدد علاوه بر افزودن بر زیبایی و طراوت ، این فایده را نیز دارد که هر کدام نوشابه مخصوصی دارد و ذائقه بهشتیان را هر زمان با انواع شراب طهور شیرین و معطر می کند.

بعد از ذکر چشمه ها به سراغ تختهای بهشتی می رود، و می فرماید: ((در آن باغهای بهشتی تختها و سریرهایی بلند وجود دارد)) (فیها سرر مرفوعه).

((سرر)) جمع ((سریر)) از ماده ((سرور)) به معنی تختهایی است که در مجالس انس و سرور بر آن می نشینند. <۸>

بلند بودن این تختها به خاطر آن است که بهشتیان بر تمام مناظر و صحنه های اطراف خود مسلط باشند، و از مشاهده آن لذت برند.

((ابن عباس))

می گوید: این تختهای بلند چنان هستند که وقتی صاحبان آنها اراده جلوس بر آن کنند تواضع می کند و فرو می نشیند، و بعد از جلوس به حال اول باز می گردد!

این احتمال نیز وجود دارد که توصیف این تختها به ((مرفوعه)) اشاره به گرانبها بودن آنها است، و آنگونه که بعضی گفته اند از قطعات طلا ساخته شده، و مزین به زبرجد و در و یاقوت است.

جمع میان هر دو تفسیر نیز ممکن است.

و از آنجا که استفاده از آن چشمه های گوارا و شرابه های طهور بهشتی، نیاز به ظرفهایی دارد، در آیه بعد می افزاید: ((قدحهای زیبا و جالبی در کنار این چشمه ها گذارده شده)) (واکواب موضوعه).

هر زمان اراده کنند قدحها از چشمه ها پر می شود، و در برابر آنان قرار می گیرد، تازه به تازه می نوشند، و سیراب می شوند و لذت می برند، لذتی که توصیفش برای ساکنان دنیا غیر ممکن است.

((اکواب)) جمع ((کوب)) (بر وزن خوب) به معنی ((قدح)) یا ظرفی است که دسته دار باشد.

توجه به این نکته لازم است که در قرآن تعبیرات مختلفی درباره ظرفهای شراب طهور بهشتیان آمده، در اینجا و بعضی از آیات دیگر تعبیر به ((اء کواب)) شده، در حالی که در بعضی از آیات دیگر تعبیر به ((اباریق)) جمع ((ابریق)) به معنی ظرفی که دارای دسته و لوله برای ریختن مایعات است یا ((کاس))

(به معنی جام پر از شراب) آمده است، مانند یطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب و

اباریق و کاس من معین : ((گرداگرد آنها نوجوانانی می گردند که همیشه طراوت جوانی را دارا هستند، در حالی که قدحها و کوزه ها و جامهایی پر از شراب طهور در دست دارند و به آنها عرضه می کنند)) (واقعه - ۱۷ و ۱۸).

باز به نکته های بیشتری از جزئیات نعمتهای بهشتی پرداخته ، اضافه می کند: ((در آنجا بالشها و پشتیهایی بر تختها وجود دارد که صف داده شده است )) (و نمارق مصفوفه ).

((نمارق )) جمع ((نمرقه )) (بر وزن غلغله ) به معنی پشتی کوچک است که بر آن تکیه می کنند <۹> و معمولاً به هنگام استراحت کامل از آنها استفاده می شود، و تعبیر به ((مصفوفه )) اشاره به تعدد و نظم خاصی است که بر آنها حاکم است ، این تعبیر نشان می دهد که آنها جلسات انس دستجمعی تشکیل می دهند، و این اجتماع که خالی از هر گونه لغو و بیهوده گی است ، و تنها از الطاف الهی و نعمتهای بی پایان او، و نجات از درد و رنجهای دنیا و عذاب آخرت ، در آن سخن گفته می شود چنان لطف و لذتی دارد که چیزی با آن برابری نمی کند.

و در آخرین آیه مورد بحث به فرشهای فاخر بهشتی اشاره کرده ، می فرماید: ((در آنجا فرشهایی گرانها و بسیار زیبا گسترده شده )) (و زرابی مبنوئه ).

((زرابی )) جمع ((زریبه )) به معنی فرشهای عالی خوابدار است که هم نرم و راحت است ، و هم گرانها و پر قیمت .

و پیدا است به موازات این وسائل آسایش و لذت ،



چه وسائل دیگری در

آنجا وجود دارد که مشتمل نمونه خروار است .

در این آیات هفت نعمت مهم بهشتی ذکر شده که هر یک از دیگری جالبتر و زیباتر است .

کوتاه سخن اینکه بهشت جایگاهی است بی نظیر از هر جهت و خالی از هر گونه ناراحتی و جنگ و جدال ، با انواع میوه های رنگارنگ ، و نغمه های دلپذیر و چشمه های آب جاری ، و شرابهای طهور ، و خدمتگزارانی شایسته و همسرانی بی مانند، و تختهایی مرصع ، و فرشهایی فاخر، و دوستانی با صفا و ظروف و قدحهایی جالب در کنار چشمه ها، و خلاصه نعمتهایی که نه بالفاظ محدود این جهان قابل شرح است ، و نه در عالم خیال قابل درک ، و همه اینها در انتظار مقدم مؤمنانی است که با اعمال صالح خود اجازه ورود در این کانون نعمت الهی را کسب کرده اند.

و فراتر از این لذات مادی لذات معنوی ، و برتر از همه ((لقاءالله)) و جلوه های محبوب ، و الطاف آن معبود است که اگر یک لحظه آن به دست آید بر تمام نعمتهای مادی بهشت برتری دارد، و به گفته شاعر.

گرم به دامن وصل تو دسترس باشد

دگر ز طالع خویشم چه ملتمس باشد؟!

اگر به هر دو جهان یک نفس زخم با دوست

مراز هر دو جهان حاصل آن نفس باشد به شتر نگاه کن که خود آیتی است !

در آیات گذشته بحثهای فراوانی پیرامون بهشت و نعمتهایش آمده بود، اما در آیات مورد بحث سخن از کلید اصلی وصول آنهمه نعمتها که ((معرفه الله)) است به آمده ، و

با ذکر چهار نمونه از مظاهر قدرت خداوند، از خلقت بدیع خدا، و دعوت انسان به مطالعه درباره آنها راه ورود به بهشت را نشان می دهد، در ضمن اشاره ای است به قدرت بی پایان خدا که کلید حل مسأله ((معاد)) است .

نخست می فرماید: ((آیا آنها به شتر نمی نگرند چگونه آفریده شده))؟! (ا فلا ينظرون الى الابل كيف خلقت).

در اینکه چرا در اینجا قبل از هر چیز بر مسأله آفرینش ((شتر)) تکیه شده است مفسران سخنان بسیار دارند، ولی پیدا است که روی سخن در مرحله اول به اعراب مکه بود که ((شتر)) همه چیز زندگی آنها را تشکیل می داد، و شب و روز با آن سر و کار داشتند.

از این گذشته این حیوان ویژگیهای عجیبی دارد که او را از حیوانات دیگر ممتاز می کند، و به حق آیتی است از آیات خدا، از جمله اینکه :

۱ - بعضی از چهارپایان تنها از گوشتشان استفاده می شود، و بعضی دیگر غالباً از شیرشان ، بعضی دیگر تنها به درد سواری می خورند، و بعضی برای باربری ، اما شتر حیوانی است که تمام این جهات در آن جمع است ، هم گوشتش قابل استفاده است ، و هم شیرش ، هم از آن برای سواری و هم باربری استفاده می شود.

۲ - شتر نیرومندترین و با مقاومت رین حیوانات اهلی است ، بار زیادی با خود می برد، و عجب اینکه به هنگامی که خوابیده است بار سنگینی را بر او حمل می کنند، و او با یک حرکت برمی خیزد و روی پا می ایستد، در حالی

که چهارپایان دیگر قدرت بر چنین کاری ندارند.

۳- شتر می تواند روزهای متوالی (حدود یک هفته الی ده روز) تشنه بماند، و در مقابل گرسنگی نیز تحمل بسیار دارد.

۴- شتر می تواند هر روز مسافتی طولانی راه را طی کند، و از زمینهای صعب العبور، و شنزارهایی که هیچ حیوانی قادر بر عبور از آن نیست بگذرد، و به همین دلیل عربها آن را ((کشتی بیابانها)) می نامند.

۵- او از نظر تغذیه بسیار کم خرج است و هر گونه خار و خاشاکی را می خورد.

۶- او در شرائط نامناسب جوی در میان طوفانهای بیابان که چشم و گوش را کور و کر می کند با وسائل خاصی که خداوند در پلکها و گوشها و بینی او آفریده مقاومت می کند، و به راه خود ادامه می دهد!

۷- شتر با تمام قدرتی که دارد از رام ترین حیوانات است به طوری که یک کودک خردسال می تواند مهار یک قطار شتر را در دست گرفته و هر جا که خاطر خواه او است ببرد.

خلاصه اینکه ویژگیهای این حیوان چنان است که دقت در آفرینش او

انسان را متوجه خالق بزرگی می کند که آفریننده چنین موجودی است، آری قرآن می گوید آیا این گمشدگان وادی غفلت ، به اسرار شگفت انگیز این موجود اندیشه نمی کنند، تا راهی به حق یافته و از بیراهه باز گردند.

ناگفته پیدا است منظور از ((نظر)) در جمله ((افلا- ينظرون)) نگاه کردن عادی نیست ، بلکه نگاهی است توأم با تفکر و اندیشه و دقت .

و بعد از آن به آسمان می پردازد، و می

فرماید: ((آیا به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه بر پا شده))؟! (و الی السماء کیف رفعت).

آسمان با آن عظمتش ، و با آنهمه شگفتیهایش ، ستاره ها و کهکشانها و آنهمه جمال و زیبایی و شکوه که آدمی را غرق در حیرت می کند، و خود را در مقابل آفریننده این جهان عظیم و مملو از نظم و حساب کوچک و ناچیز، بلکه همچون ((صفر)) در مقابل ((بی نهایت)) می بیند.

چگونه این کرات عظیم هر یک در مدار خود میخکوب شده اند؟ و بدون ستونی در جای خود قرار گرفته اند؟ میلیونها سال بر کرات منظومه شمسی می گذرد و محورهای اصلی حرکت این کرات تغییر نمی یابد.

آفرینش آسمان گرچه همیشه عجیب بوده ، ولی در پرتو اکتشافات علمی امروز شگفتیهایش به مراتب بیشتر و عظمتش جلوه گزیده شده است .

آیا نباید درباره خالق و مدبر این جهان بزرگ اندیشید و به اهداف بزرگ و والای او نزدیک شد؟!

سپس از آسمان به زمین آمده ، می افزاید: آیا ((به کوهها نگاه نمی کنند چگونه در جای خود نصب شده است))؟! (و الی الجبال کیف نصبت).

کوههایی که ریشه های آن به یکدیگر متصل است ، و همچون حلقه های زره گرداگرد زمین را فرا گرفته ، و لرزشهای ناشی از مواد مذاب درونی ، و جزر و مد ناشی از جاذبه های ماه و خورشید را به حداقل می رساند.

کوههایی که پناهگاه مطمئن است و سپری است در مقابل طوفانها که اگر نبودند کره زمین تبدیل به بیابانی می شد غیر قابل زندگی .

و بالاخره کوههایی که آبها را در

خود حفظ می کند و تدریجا به سوی سرزمینهای تشنه روان می سازد، و در دامنه های خود نشاط حیات و سرسبزی و خرمی و طراوت می آفریند و شاید به خاطر همین جهات است که در آیات دیگر قرآن کوهها به عنوان میخها و اوتاد زمین معرفی شده

اصولا- کوهها مظهر ابهت و عظمت و صلابت ، و همه جا مایه خیر و برکت است ، و شاید به همین دلیل انسان در دل کوهها اندیشه بیدارتری می یابد، و بی جهت نیست که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از بعثتش مدتها به عبادت در ((جبل النور)) و ((غار حرا)) مشغول بود.

((نصبت)) از ماده ((نصب)) به معنی ثابت قرار دادن است ، و ممکن است این تعبیر ضمنا اشاره ای به کیفیت خلقت کوهها در آغاز آفرینش نیز بوده باشد، همان چیزی که علم امروز پرده از آن برداشته ، و پیدایش کوهها را به عوامل متعددی نسبت می دهد، و انواع و اقسامی برای آن قائل است :

کوههایی که بر اثر چین خوردگی زمین پیدا شده .

کوههایی که از آتشفشانها به وجود آمده .

کوههایی که نتیجه آبرفتهای ناشی از باران است .

و کوههایی که در دل دریاها تکوین می یابد و مجموعه ای است از رسوبات دریا و باقی مانده حیوانات آن (مانند کوهها و جزائر مرجانی).

آری هر کدام از این کوهها، تکوین آنها، و آثار و برکات آنها درخور

دقت و اهمیت است ، و برای انسانهای بیدار نشانه های زندهای است از قدرت پروردگار.

سپس به زمین می پردازد، و می گوید: ((آیا به

زمین نگاه نمی کنند چگونه مسطح شده؟؟؟! (و الی الارض کیف سطحت).

چگونه بارانهای مداوم کوهها را شسته ، و ذرات خاک را به وجود آورده ، سپس در گودالها پهن کرده و زمینهای صافی که هم آماده کشاورزی است و هم قابل هر گونه ساختمان ، در اختیار انسان قرار داده است ؟

اگر به راستی کره زمین تماما کوه و دره بود زندگی کردن بر آن چقدر مشکل و طاقت فرسا بود؟ چه کسی آن را پیش از تولد ما مسطح و قابل استفاده ساخت ؟ اینها همه اموری است که قرآن ما را به اندیشه کردن در آن دعوت می کند.

در اینجا این سؤال مطرح است که چه ارتباط و پیوندی میان این امور چهارگانه وجود دارد: شتر، آسمان ، کوهها و زمین ؟

فخر رازی در تفسیر خود می گوید: ((این به خاطر آن است که قرآن به لغت عرب نازل شده ، و آنها غالبا اقدام به مسافرت می کردند چون بلادشان خالی از زراعت و فرآورده های کشاورزی بود، از طرفی بیشتر سفرهای آنها با شتر صورت می گرفت ، و هنگامی که در این بیابانهای هولناک و دور از اجتماع سفر می کردند اندیشه و فکر در آنان زنده می شد، کسی نبود که با آنها سخن گوید، و چیزی نبود که چشم و گوش آنها را به خود مشغول دارد، در این حال هنگامی که فکر می کردند قبل از هر چیز چشمشان به شتری می افتاد که بر آن سوار بودند، منظره عجیب آن را می دیدند و در فکر فرو می رفتند، و هنگامی

که نگاه بالای سرشان می کردند چیزی جز آسمان مشاهده نمی نمودند، و هنگامی که به چپ و راست خود نظر می افکندند، جز کوهها چیزی مشاهده نمی شد، و هنگامی که

به زیر پای خود نظر می افکندند چیزی جز زمین وجود نداشت، گویی خداوند می خواهد به آنها دستور اندیشه کردن دهد، اندیشه ای به هنگام تنهایی که طبعاً بر محور این چهار چیز دور می زند)). <۱۰>

ولی اگر بخواهیم نظر را از محیط زندگی محدود عرب برداریم و در جوی وسیع تر به اندیشه پردازیم، می توان گفت: امور چهارگانه ای که در آیات فوق آمده زیر بنای زندگی انسان را تشکیل می دهد:

آسمان کانون نور است و باران و هوا، و زمین مرکز پرورش انواع مواد غذایی کوهها رمز آرامش و ذخیره آب و مواد معدنی، و شتر نمونه روشنی از چهارپایان اهلی که در اختیار بشر قرار دارد.

به این ترتیب هم مسائل کشاورزی، هم دامداری و هم صنعتی در این امور چهارگانه نهفته شده است، و اندیشه در این نعمتهای گوناگون، خواه ناخواه انسان را به شکر منعم وامی دارد، و شکر منعم او را به معرفت الله و شناخت خالق نعمت دعوت می کند.

و به دنبال این بحث توحیدی روی سخن را به پیامبر کرده می گوید: ((اکنون که چنین است آنها را یادآوری کن، تو فقط یادآوری کننده ای)) (فذكر انما انت مذکر).

تو هرگز مسلط بر آنان نیستی که مجبورشان به ایمان سازی)) (لست علیهم بمصیطر).

آری آفرینش آسمان و زمین و کوهها و حیوانات نشان می دهد که

این عالم بی حساب نیست ، و آفرینش انسان نیز هدفی داشته ، اکنون که چنین است آنها

را با تذکرات خویش به اهداف خلقت و آفرینش آشناساز، و راه قرب خدا را به آنها نشان ده ، و در مسیر تکامل رهبر و راهنمایشان باش .

البته راه کمال در صورتی پیموده می شود که با میل و اراده و اختیار همراه باشد، و گرنه تکامل اجباری سخنی بی مفهوم است ، تو هرگز نمی توانی آنها را مجبور سازی ، و اگر هم می توانستی فایده ای نداشت .

بعضی تصور کرده اند که این دستور قبل از نزول فرمان ((جهاد)) بوده ، و با نزول حکم جهاد نسخ شد.

چه اشتباه بزرگی ؟ مسأله تذکر و تبلیغ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم ) از نخستین روز شروع شد، و تا آخرین دقیقه حیات آن حضرت ادامه داشت ، و بعد از او نیز به وسیله جانشینان معصوم و علمای دین تداوم داشته و خواهد داشت این مطلبی نسخ شدنی نیست ، همچنین عدم اجبار مردم بر ایمان نیز یک اصل ثابت است ، و هدف جهاد عمده مبارزه با طغیانگران و برداشتن موانع از راه مردم حق طلب است .

این مطلب شبیه چیزی است که در آیه ۸۰ سوره نساء آمده است که می گوید: و من تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا: ((هر کس رویگردان شود ما تو را مسؤل آنها قرار ندادیم)) و آیه ۱۰۷ انعام ، و ۴۸ شوری که همین معنی را بازگو می کند.

((مصیطر)) از ماده ((سطر)) به معنی همان سطور کتاب است و ((مسیطر)) کسی است



که سطر بندی می کند، و سطور کتاب را تنظیم می نماید، سپس به عنوان هر شخصی که بر چیزی مسلط باشد، و خطوط آن را تنظیم کند، یا او را به اجبار وادار بر انجام کاری نماید اطلاق شده است .

در آیه بعد به صورت یک استثناء می فرماید: ((مگر کسی که پشت کند

و کافر شود)) (الا من تولى و كفر)

((که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند)) (فيعذبه الله العذاب الاكبر).

در اینکه این استثناء از کدام جمله است ؟ تفسیرهای مختلفی وجود دارد:

نخست اینکه استثناء از مفعول جمله ((فذكر)) است ، یعنی لزومی ندارد افراد معاندی را که از حق رویگردانند و اندر زناپذیرند تذکر دهی ، و در حقیقت شبیه چیزی است که در آیه ۸۳ سوره زخرف آمده است : فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذى يوعدون : ((آنها را به حال خود واگذار تا در باطل خود غوطه ور باشند و بازی کنند، تا روزی را که وعده داده شده ملاقات نمایند))!

دوم اینکه از جمله محذوفی است ، و در معنی چنین است : ((تذکر ده که تذکر برای همه نافع است ، مگر آنها که با حق دشمنی دارند)) شبیه چیزی که در آیه ۹ سوره اعلی آمده : فذكر ان نفع الذكرى (بنابر اینکه آیه معنی شرطی داشته باشد).

سوم اینکه استثناء از ضمیر ((عليهم)) در آیه قبل است ، یعنی : ((تو سلطه ای بر آنها نداری مگر کسانی که رویگردان شوند، و از در لجاج و عناد در آیند که موظفی با آنها به مقابله برخیزی)). <۱۱>

اینها همه در صورتی است که استثناء

به اصطلاح ((متصل)) باشد، ولی

این احتمال نیز وجود دارد که استثنای ((منقطع)) باشد که تقریباً مفهوم ((بلکه)) دارد، و معنی جمله چنین می شود، بلکه کسانی که رویگردان شوند و کافر گردند خداوند بر آنها مسلط است، یا خداوند آنها را به عذاب اکبر مجازات می کند.

از میان این تفاسیر دو تفسیر مناسب تر است نخست اینکه استثنا متصل باشد و به جمله ((لست علیهم بمصیطر)) بازگردد، و اشاره به توسل به زور در مقابل زورگویان باشد، و یا منفصل و به معنی مشمول عذاب الهی نسبت به کافران لجوج باشد.

منظور از عذاب اکبر ((عذاب آخرت)) است در برابر ((عذاب دنیا)) که عذاب کوچک و کم اهمیت نسبت به آن است، همانگونه که در آیه ۲۶ سوره ((زمر)) می خوانیم: فاذا فهم الله الخزی فی الحیاه الدنیا و لعذاب الاخره اکبر: ((خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشاند، و عذاب آخرت اکبر است اگر می دانستند)).

این احتمال نیز وجود دارد که مراد از ((عذاب اکبر)) قسمت شدیدتری از عذاب قیامت و دوزخ باشد، زیرا عذاب همه مجرمان در دوزخ یکسان نیست.

و در پایان این سوره با لحنی تهدید آمیز می گوید: ((مسلمانان بازگشت آنها به سوی ما است)) (ان الینا ایابهم).

و بعد می افزاید: ((سپس مسلمانان حساب آنها بر ما است)) (ثم ان علینا حسابهم).

و این در حقیقت نوعی دلداری و تسلی خاطر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در

مقابل لجاجت آنها ناراحت و دلسرد نشود، و به کار خود ادامه دهد، و در

ضمن تهدیدی است نسبت به همه این کافران لجوج که بدانند حسابشان با کیست .

به این ترتیب سوره غاشیه که از مسأله قیامت آغاز شد به مسأله قیامت نیز پایان می یابد، و در اثناء آن به توحید و نبوت که پایه های معاد را تشکیل می دهد اشاره شده است ، و در ضمن آیات آغاز این سوره بخشی از مجازاتهای سنگین مجرمان ، و سپس قسمت مهمی از پاداشهای روحپور مؤمنان آمده است ، ضمناً اختیار انتخاب طریق به مردم واگذار شده در عین حال هشدار داده است که بازگشت همگی به سوی خدا و حسابشان با او است .

در ضمن روشن می سازد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور ابلاغ رسالت است ، و در برابر کفر و خطا و گناه مردم مسؤول نیست ، و اینگونه است وظیفه همه مبلغان راه حق .

خداوندا! در آن روز که بازگشت همه خلائق به سوی تو است و حساب همگی بر تو، ما را مشمول لطف و رحمت گردان .

پروردگارا! ما را با رحمت کبرایت از عذاب اکبرت رهایی بخش .

بارها! نعمتهای بهشتیت که گوشه ای از آن را در این سوره بازگو کردهای بسیار پربها و شوق انگیز است ، اگر به اعمالمان مستحق آنها نیستیم با فضل آنها را به ما مرحمت کن .

آمین یا رب العالمین

### تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در آستانه سوره دیگری قرار داریم. بجاست که پیش از ورود به این بوستان پر گل و لاله به شناسنامه اش بنگریم:

۱ - نام این سوره نام این سوره مبارکه

«غاشیه» یا «فراگیرنده» می باشد که یکی از نام های قیامت است. این نام از نخستین آیه این سوره برگرفته شده، و به فراگیری و احاطه هراس و وحشت روز رستاخیز بر مردم اشاره دارد.

۲ - فرودگاه آن از دیدگاه همه مفسران و قرآن پژوهان این سوره در مکه فرود آمده است. این واقعیت را حال و هوای سوره و فضای ویژه آن نیز گواهی می کند.

۳ - شمار آیه های آن این سوره دارای ۲۴ آیه است. و نیز از ۹۲ واژه و ۳۸۱ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

من قرأها حاسبه الله حساباً يسيراً. (۱۴۱)

هر کس این سوره را بخواند و در آن بیندیشد، خدا حساب او را در روز رستاخیز بر او آسان می سازد.

و از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

من ادمن قرائه «هل اتاك حديث الغاشيه» في فرائضه او نوافله غشاه الله برحمته في الدنيا و الاخره، و اعطاه الامن يوم القيامة من عذاب النار. (۱۴۲)

کسی که بر تلاوت این سوره در نمازهای واجب و مستحب خود مداومت ورزد، خدا او را در دنیا و آخرت در پوشش رحمت و مهر خویش قرار داده و از عذاب سرای آخرت امنیت می بخشد.

۵ - دور نمایی از مفاهیم آن

این سوره پس از یاد الهام بخش خدا، خطاب به پیامبر آغاز می گردد و در آیات جان بخش خود این بحث ها و مفاهیم روح پرور را در چشم انداز کمال جویان و حق طلبان قرار می دهد:

موضوع رستاخیز و سرای آخرت،

چهره های ذلت زده و زبون،

کیفرهای دردناک آنان،

چهره های شاد و

شاداب روز رستاخیز،

... از نعمت های شوق انگیز خدا به اینان،

آیا به آفرینش این چهار پدیده شگفت انگیز نمی نگرند؟

اصل اندرزدهی و ارشاد برای تحول مطلوب در دلها،

هشدار از اجبار و تحمیل دین،

هشدار از حق گریزی و اصلاح ناپذیری،

و نکات ظریف و دقیق دیگری که خواهد آمد.

۱ - آیا داستان آن [روز] فراگیرنده به تو رسیده است؟

۲ - در آن روز چهره هایی [خواز و] زبوند.

۳ - [در دنیا] کار کرده اند و [در آخرت رنج می برند].

۴ - به آتش سوزان می سوزند.

۵ - از چشمه ای بی نهایت داغ نوشانیده می شوند.

۶ - خوراکی جز از خاری تلخ و سوزان ندارند.

۷ - که نه [آنان را] فربه می کند و نه گرسنگی را باز می دارد.

۸ - چهره های در آن زوز شادابند.

۹ - از تلاش خود خشنودند.

۱۰ - در بهشت برین جای دارند.

۱۱ - در آنجا [سخن بیهوده ای نمی شنوند].

۱۲ - در آنجا چشمه ای است روان.

۱۳ - در آنجا تخت هایی است بلند.

۱۴ - و تُنْک هایی است نهاده شده.

۱۵ - و پشتی هایی است کنار هم چیده شده؛

۱۶ - و فرشهایی است گسترده.

۱۷ - پس آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟

۱۸ - و به آسمان که چگونه بر افراشته گردیده؟

۱۹ - و به کوه ها که چگونه بر نشانده شده؟

۲۰ - و به زمین که چگونه گسترش یافته است؟!؟

۲۱ - پس اندرز ده که تو اندرز دهنده ای؛

۲۲ - [و] هر گز بر آنان چیرگی نداری؛

۲۳ - مگر آن کسی که روی بر تابد و کفر ورزد؛

۲۴ - که خدا او را به بزرگترین عذاب، عذاب خواهد کرد.

۲۵ - بی گمان باز گشت آنان تنها به سوی ما است.

۲۶ - آن گاه حساب آنان [نیز] تنها بر عهده ما است.

نگرشی بر واژه ها

غاشیه: این واژه از ماده ی «غشاه» به معنای فراگرفتن و پوشاندن آمده است، این نام برای روز رستاخیز به خاطر آن است که ترسی و هراس رویدادهای وحشت بار آن همه را بسان سایه ای سهمگین زیر پوشش می گیرد.

ناصبه: از ریشه «نصب» به معنی رنج بردن آمده است.

آنیه: مؤنث «آنی» به معنی آبی است که بی نهایت سوزان است.

ضریع: گیاهی است که آن را شتر می خورد، و برای حیوان زیانبار است و سودی نمی بخشد. پاره ای نیز آن را گیاهی سمی شناخته اند که هیچ چهارپایی به آن نزدیک نمی شود.

سرور: این واژه جمع «سریر» به معنی تخت و جایگاه شادی می باشد.

اکواب: جمع «کوب» به معنی تُنگک یا ظرف دسته دار آمده است.

نمارق: این واژه جمع «نمرقه» به معنی بالش آمده است.

زرابی: جمع «زریبه» به معنی فرش های ظریف و گسترده شده.

مصیطر: چیره و تسلط یافته بر دیگری با قهر و اجبار.

تفسیر

چهره های ذلت زده و زبون در روز رستاخیز

آیات پایانی سوره پیش در مورد سرای آخرت و وصف آن - که بهتر و پاینده تر از دنیا است - به پایان رسید، اینک این سوره از روز رستاخیز و رویدادهای تکاندهنده آن آغاز می گردد.

نخست روی سخن را به پیامبر می کند و می پرسد:

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَاشِيَةِ

هان ای پیامبر! آیا داستان آن روز فراگیرنده و پوشاننده به تو رسیده است؟



از دیدگاه گروهی از جمله «ابن عباس»، «حسن» و «قتاده» روی سخن با پیامبر می باشد و منظور این است که: بی تردید خبر روز رستاخیز و هراس و سختی های آن که یکباره همه را فرامی گیرد به تو رسیده است.

اما از دیدگاه گروهی دیگر واژه «غاشیه» به معنی عذاب و آتش است که چهره های کفرگرایان را فرا می گیرد.

آیه مورد بحث بسان این آیه است که می فرماید: ... و تغشى وجوههم النار(۱۴۳) و چهره هایشان را آتش می پوشاند.

آن گاه در بیان حال و روز گناهکاران می فرماید:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

در آن روز سخت، چهره هایی ذلت زده و سر افکنده اند.

منظور از چهره ها، در حقیقت صاحبان چهره ها می باشند، و آنان هستند که به خاطر شدت عذاب و کیفری که آنان را فرامی گیرد و رویدادهای سهمگینی که نظاره می کنند ذلت زده و سر افکنده می شوند. و بدان دلیل به چهره ها توجه می دهد که ذلت و زبونی در آنها پدیدار می گردد.

از دیدگاه پاره ای منظور از «وجوه»، چهره های سردمداران و رهبران هستند، چرا که در فرهنگ عرب هنگامی که گفته می شود: چهره های آن شهر یا کشور آمدند، منظور سران آن است. با این بیان در آیه شریفه منظور زورمداران و سردمداران کفر و استبداد هستند که سرافکنده و ذلت زده حاضر می گردند.

اما از دیدگاه «مقاتل» منظور از «وجوه»، همه کفرگرایان و ظالمان هستند، چرا که همه آنان در دنیا تکبر ورزیده و خود را فراتر از مقررات خدا به حساب آوردند و از اصلاح پذیری و قانون گرایی به بهانه های گوناگون سر باز زدند.

سپس در معرفی آنان می فرماید:

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ

آنان کسانی هستند که همواره در زندگی

دنیا تلاش کرده و رنج بیهوده برده اند.

آنچه آمد ترجمه و دریافتی از آیه است و در تفسیر آن دیدگاه‌ها یکسان نیست:

۱ - به باور پاره‌ای از جمله «حسن» منظور این است که: آنان در آتش دوزخ به انجام کارهای دشوار ناگزیر می‌گردند تا رنج و عذاب بیشتری بچشند؛ چرا که آنان در دنیا برای خدا کاری انجام ندادند؛ به همین دلیل در آتش دوزخ به تلاش و کوشش ناگزیر می‌گردند تا با تلاش و رنج بسیار غل‌ها و زنجیرهای آتشین را از دست و پا و سر و گردن خود دور سازند.

«ضحاک» بر آن است که: آنان ناگزیر می‌گردند تا از کوه آهنین و آتشین در دوزخ بالا روند.

و از دیدگاه «کلبی» آنان ناگزیر می‌گردند که با چهره‌هایشان در آتش کشیده شوند.

۲ - اما به باور برخی از جمله «سدی» و «عکرمه» منظور این است که: گناهکاران و ظالمان آنان هستند که در دنیا رنج بسیار برده و در سرای آخرت در آتش می‌سوزند و رنج می‌برند.

۳ - گروهی از جمله «سعید بن جبیر» از «ابن عباس» آورده‌اند که: منظور راهبان و تارکان دنیا و بدعت‌سازان هستند که در دنیا بر اساس پندارها و بافته‌های بی‌اساس خویش در عبادت خدا رنج بیهوده‌ای را می‌برند، اما جز عذاب و بدبختی نمی‌دروند.

امام صادق در مورد پاره‌ای از این تاریک‌اندیشان فرمود:

کل ناصب لنا و ان تعبد واجتهد یصیر الی هذه الآیه...

هر بداندیش و بدرفتاری نسبت به ما خاندان رسالت، گرچه خدا را به باور خود پرستد و تلاش و کوشش بسیاری در دینداری کند، مصداق آیه مورد

بحث است.

و در اشاره به فرجام کار این تیره بختان می افزاید:

تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً

و به آتش سوزان و شعله ور وارد می شوند.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: و به آتش سخت و سوزان سوزانده می شوند.

اما به باور برخی به آتش بی نهایت سوزان وارد می گردند و همواره در آن می مانند.

و می افزاید:

تُشْقَى مِنْ عَيْنِ آئِنِهِ

افزون بر رنج و عذاب و آتش شعله ور دوزخ، از چشمه ای بی نهایت داغ و سوزان به آنان می نوشانند.

«حسن» بر آن است که: این چشمه از روزی که پدید آمده، آتش دوزخ برای به جوش آوردن آن بر افروخته شده است و در روز رستاخیز این تیره بختان و ظالمان را در حالی که سخت عطش زده هستند در آن می افکنند تا از این نوشابه مرگبار بنوشند.

در آیه بعد در مورد خوراک آنان می فرماید:

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ خوراکی جز از خاری تلخ و سوزان ندارند.

دیدگاه مفسران در مورد «ضریع» متفاوت است:

به باور پاره ای منظور از آن، خاری است که به آن «شبرق» می گویند. هنگامی که خشک گردد، اهل حجاز از آن به «ضریع» تعبیر می کنند. این خار بدترین نوع خارهاست، به گونه ای که هیچ حیوانی آن را نمی خورد.

از پیامبر آورده اند که فرمود:

الضریع شیء یكون فی النار، یشبه الشوک، اشد مراره من الصبر، و انتن من الجیفه، و احزر من النار، سماء الله ضریعاً (۱۴۴)

«ضریع» چیزی است در آتش دوزخ، شبیه خار، تلخ تر از زهر، بدتر از مردار و سوزاننده تر از آتش، که خدا آن را به این نام خوانده است.



«ابودرداء» آورده اند که: در روز رستاخیز و سرای آخرت دوزخیان تیره بخت به خواست خدا سخت گرسنه می شوند؛ به گونه ای که این گرسنگی بسان بدترین آتش و عذاب آنان را زیر فشار می گذارد. آن گاه غذا می طلبند و غذایی سخت گلوگیر به آنان داده می شود. به یاد می آورند که در دنیا هنگامی که گلویشان با غم و اندوه می گرفت، به وسیله آب، گلوگیر را بر طرف می ساختند، به همین جهت آب می طلبند. خدای دادگر آنان را به کیفر بیدادشان در زندگی دنیا هزار سال تشنه نگاه می دارد، آن گاه از چشمه بسیار سوزان و پر حرارت، آبی بی نهایت جوشان به آنان می نوشاند. شرایط مرگبار آن چشمه به گونه ای است که وقتی آنان را به آنجا نزدیک می کنند، پوست چهره هایشان بریان و جدامی گردد، و زمانی که از آن چشمه به آنان می نوشاند، شکم آنان را پاره پاره می کند و روده هایشان را فرومی پاشد (۱۴۵)

هنگامی که این آیه فرود آمد، کفرگرایان به ریشخند گفتند: ما شترهای خود را به وسیله «ضریع» چاق و چله می کنیم، اما آن تبهکاران و حق ناپذیران دروغ گفتند، چرا که «ضریع» به گونه ای تند و تیز و بدبو و دهشتناک است که شترها به آن لب نمی زنند! خدای فرزانه در تکذیب بافته های آنان این آیه را فرو فرستاد که:

لَا يُسِيمُنْ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ اِنَّ خَوْرَاكُ مَرْغَبَارِ، دوزخیان تیره بخت را نه فربه می کند و نه گرسنگی سخت و مرگبارشان را فرومی نشاند.

به هر حال حسن می گوید: من در مورد واژه «ضریع» چیزی از یاران پیامبر نشنیدم و نمی دانم منظور چیست.

پاره ای آن را به معنی زهرکشنده گرفته اند، و پاره ای بر آنند که «ضریع»

به معنی «مضرع» می باشد و منظور این است که دوزخیان را ذلیل و سرافکنده می کند.

به باور «ابن کیسان» این خار مرگبار را بدان دلیل «ضریح» نامیده اند که به خاطر شدت خشونت و تلخی اش هر کس را بخوردنش ناگزیر سازند، با تضرع و زاری از خوردن آن پوزش می طلبد.

اما به باور «سعید بن جبیر» منظور از آن سنگ آتشین است.

چهره های شاد و شاداب در روز رستاخیز

در آیات پیش در مورد چهره های ذلت زده و سرافکنده، فرجام شوم آنان، سوختن و بریان شدن و ماندگاریشان در آتش، و خوراک مرگبار و نوشابه های عفن زده آنان سخن رفت، اینک در برابر آنان، به چهره های شاد و شاداب و نعمت های پرشکوهی که خداوند به آنان ارزانی می دارد توجه می دهد و می فرماید:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ

در آن روز چهره هایی شاد و شادابند.

اینان مردم شایسته کردار و درست اندیشی هستند که اثر نعمت و مهر خدا و شادی و شادمانی از سر و روی آنان هویدا است و چهره هایشان فروزان است.

آن گاه می فرماید:

لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ

این چهره های شادمان از ثمره تلاش و کوشش مترقی خود در زندگی دنیا خشنودند و ارزانی دارنده آن مقام و نعمت ها را سپاس می گویند.

سپس می افزاید:

فِي جَنَّهٍ عَالِيَةٍ

آنان در بهشت پر طراوت و بلند مرتبه جای دارند.

آری، آنان در بهشت برین که کاخهای آن بلند و عالی است جای خواهند داشت.

به باور پاره ای بلند و بلند جایگاهی بهشت دو گونه است: بلندی معنوی، و بلندی در مکان که از همه جا بلندتر و پاکیزه تر است.

گفتنی است: که بهشت خدا دارای درجات و

مراتبی است، بسان دوزخ که درکات و طبقه های گوناگونی دارد.

در آیه بعد در وصف دیگری از بهشت می فرماید:

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاِغْيَةٍ

در آنجا هیچ گفتار بی فایده و بیهوده ای نخواهی شنید؛ و از دروغ پردازی، افترا، اهانت و کتمان حقیقت اثری نیست.

و می افزاید:

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

در آن بهشت پرتراوت و زیبا چشمه ای روان است.

از دیدگاه برخی واژه «عین» اسم جنس می باشد و منظور این است که: در بهشت زیبای خدا، در سرا و کاخ هر انسان شایسته کردارای چشمه ای جاری است که از هر نوشابه ای که بخواهد و بداند، و نیز نوشابه های که ندیده و نشنیده است از آن می جوشد.

و پاره ای بر آنند که چشمه های بهشت با خواست بهشتیان و اشاره آنان می جوشد و روان می گردد، چرا که نیازی به جدول بندی و شکافتن زمین نیست.

و نیز روشنگری می کند که:

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ

در آنجا تخت هایی پر شکوه و زیبا برای آنان ردیف شده است.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: این تخت های پر شکوه و برافراشته بهشتی با طلا و در و یاقوت و زبرجد آراسته شده، و به گونه ای هستند که وقتی صاحبان آنها اراده جلوس بر آن کنند، فروتنانه فرودمی آیند و پس از نشستن آنان در جایگاه بلند خویش، باز می گردند.

واژه «سرر» جمع «سریر» به معنی تخت و جای شادی و شادمانی است.

به باور پاره ای بلند شدن تختهای بهشت به خاطر آن است که صاحبان آنها بتوانند همه جا را تماشا کنند.

و می افزاید:

وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ



در آنجا برای بهره‌وری از چشمه‌های جاری و نوشابه‌های متنوع آنها، ظرفها و

پارچ های گوناگون و زیانناک شده است، که هر گاه انسان شایسته کرداری خواست بر دارد و به وسیله آن بنوشد، آنها را لبریز می یابد.

واژه «اکواب» جمع «کوب» به معنی ظرف دسته داری است که با آن شراب پاک می نوشند.

از دیدگاه پاره ای، در آنجا ظرفهایی است بسیار زیبا از طلا و نقره و جواهرنشان که در برابر آنان نهاده شده است، و به وسیله آنها هر آنچه بخواهند می نوشند و از زیبایی آنها لذت می برند.

در اشاره به نعمت دیگر بهشت می افزاید:

وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

و در آنجا پستی ها و بالشهایی برای تکیه دادن بر روی تختها نشانده و ردیف شده است، تا آنان بسان فرمانروایان دادگر و پرشکوه بر آنها تکیه زنند.

و می فرماید:

وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ

در آنجا فرشهایی زربفت و بسیار جالب و گران قیمت گسترده شده است.

از امیر مؤمنان آورده اند که آن بزرگوار به هنگام یادکردی از بهشت فرمود: انسانهای نیک بخت در روز رستاخیز وارد بهشت می گردند، و می نگرند که فرشهای کاخهایشان از لوء لوء و مروارید بافته شده، تختها برافراشته، ظرفهای زیبا آماده، پستی ها در کنار هم چیده شده و فرشها گسترده است، و اگر خداوند برایشان آنجارا روزی نساخته بود، با دیدن آن همه نعمت پرشکوه چشمانشان از حرکت باز می ایستاد و نمی دید. آری، آنان پس از دیدن آن نعمتها با همسران زیبای خود روبرو می گردند و با آنها دیده بوسی می کنند و بر تختها تکیه می زنند، و با همه وجود می گویند: خدای را سپاس که ما را به سوی بهشت پر نعمت و زیبای خود راه نمود.

«قتاده» می گوید: خدای فرزانه پر از وصف بهشت و نعمتهای

پر شکوه آن، که بهت و حیرت حق ناپذیران و گمراهان را بر می انگیزد، اینک با سبک ویژه ای به شناخت خدا از راه نگرش بر پدیده های آفرینش توجه می دهد و می فرماید:

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ آيَا به شتر نظاره نمی کنند که چگونه آفریده شده است؟

از انجایی که شتر هم کالا و ثروت کفرگرایان عصر رسالت، و هم وسیله زندگی آنان بود، با برانگیختن خردها و اندیشه ها می پرسد: آیا اینان به آفرینش این حیوان نجیب و سودبخش نمی نگرند؟

آیا نمی اندیشند که چگونه خدا از میان چرک و خون، شیر خالص و سپید و گوارا برای آنان می جوشاند، و بیرون می آورد؟ آری، همان سان که این موجود شگفت، و شیر آن را برای اینان آفریدم، آن نعمت هارا نیز برای بهشتیان آماده ساخته ام.

به باور گروهی منظور این است که: آیا اینان به آفرینش شتر نمی نگرند و به شگفتی های آن نمی اندیشند که چگونه خدا این حیوان درشت و بزرگ را در برابر کودکی نا توان رام گردانیده که آن را می خواباند و بر آن سوار می گردد و یا بارهای خود را به وسیله آن جابه جا می کند؟ راستی چه کسی به این حیوان آموخت که در برابر این کودک رام باشد و به هنگام سوار شدن و پیاده گردیدن و چیدن بار بخوابد؟ چرا حیوانات دیگر این گونه نیستند، آیا نباید با نگرش به این پدیده شگفت انگیز و هدایت آن، پدیدآورنده را جست و یافت و شناخت؟ و با این نشانه قدرت خدا، بر وجود و یکتایی و حکمت او استدلال کرد؟

از «حسن» پرسیدند، چرا در این آیه خدای فرزانه به آفرینش شتر

توجه می دهد، نه «فیل» که از آن بزرگتر است؟

او گفت: بدان دلیل که عرب با شتر و شگفتی های آن آشنا بود. بر آن سوار می شد و از گوشت و شیر و پوست و کرک آن بهره می برد و ارزشمندترین ثروت عرب به شمار می رفت. این حیوان نجیب هسته خرما می خورد و بچه می آورد، و شیر می داد. یک کودک ناتوان افسار او را می گرفت و این حیوان، رام او بود و از پی او می رفت... تا آنجایی که آورده اند: موشی مهار شتر را گرفت و برای بردن ریسمان آن کشید و رفت. شتر از پی آن رفت تا به لانه موش رسید و چون موش افسار را به لانه کشید شتر خوابید و دهانش را بر در لانه موش نهاد! راستی این موجود را چه کسی برای شما رام ساخته است؟

آن گاه می پرسد:

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَ آيَا به آسمان نمی نگرند که چگونه بر فراز سر شان بر افراشته شده است؟

راستی چگونه خدای توانا این آسمان را بر فراز سر انسان و بر روی زمین بر افراشت؟ و میان آسمان بلند و زمین گسترده، این فضای تفکرانگیز و این هوا را قرار داد که مایه حیات و اساس زندگی است و آن گاه پدیده های شگفت آوری چون: خورشید، ماه، و ستارگان را که هر کدام نقشی شگرف و حیاتی در نظام آفرینش دارند، به صورتی تفکرانگیز، پدید آورد؟

سپس می فرماید:

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

و آیا به کوه ها نمی نگرند که چگونه بر نشانده شده اند؟

راستی خدای فرزانه چگونه این کوه ها را بسان میخ های بر دل زمین

نشاند تا حرکت زمین را کنترل کنند و استوار سازند؟ به گونه که اگر آنها نبودند زمین قرار نداشت و ساکنان خود را در دل خویش فرو می برد.

در آیه بعد به آفرینش زمین توجه می دهد و می فرماید:

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ آیا به زمین نگاه نمی کنند که چگونه گسترده شده است؟

اگر زمین این گونه که هست گسترده و پهناور نبود، چگونه می شد روی آن زندگی کرد و از انواع نعمت های آن بهره مند بود؟ این از نعمت گران خدا بر انسان است که نعمت هیچ نعمت بخش دیگری نمی تواند با آن برابری کند، و در آفرینش و ویژگی های آن دلیل های روشن و روشنگری است که اگر خردمندان در آنها بیندیشند، در خواهند یافت که این نعمت شگفت را آفریدگاری دانا و توانا پدید آورده است.

پس از توجه دادن به این نعمت های گوناگون و این نشانه های قدرت و علم و یکتایی و حکمت پدید آورنده هستی، اینک قرآن روی سخن را به پیامبر می کند و می فرماید:

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ

هان ای پیامبر! اینک که چنین است آنان را اندرز ده و نعمت های خدا را به یادشان آور، که تو تنها اندرز دهنده ای و باید نعمت های خدا و آثار قدرت او را برایشان بازگویی و بشناسانی، و به آنان یاد آورگرددی که آیا نباید ارزانی دارنده این نعمت ها را بشناسند و سپاس او را گزارند و او را عبادت کنند؟!

بدین سان خدای فرزانه دین شناسی و راه های شناخت خدا را بر بندگان، با روشنگری خود آسان ساخت، به گونه ای که در قلمرو شناخت اصول و پایه های دین جایی برای تقلید از

دیگری نمی ماند، چرا که ذات بی همتای او به پیامبر فرمان داد که: و پند ده، که ایمان آوردگان را پند و اندرز سود می بخشد، و روشنگری می کند که: در این پدیده های گوناگون و شگفت انگیز برای کسانی که بیندیشند، نشانه هایی از یکتایی و قدرت خداست....

به باور «جبایی» و «ابو مسلم» منظور این است که: آنان را به این دلیل و برهان ها توجه ده و روشنگری کن که از این راه بر یکتایی خدا و بی همتایی او استدلال کنند و به بارگاه او راه جویند.

آن گاه هشدار می دهد که:

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

تو هرگز بر آنان چیرگی و سلطه ای نداری که به ایمان و اسلام اجبارشان سازی و دین را در دل های آنان جای دهی. بنا بر این وظیفه تو روشنگری و اندرز دهی و اندیشاندن است (۱۴۶) بنا بر این به همین کار بزرگ بسنده نما و در راه رساندن پیام خدا شکیبای پیشه ساز.

از دیدگاه پاره ای منظور این است که: هان ای پیامبر! تو اینک به مبارزه با مخالفان وحی و رسالت فرمان نیافته ای.

به یاور پاره ای این آیه و حکم آن به وسیله آیات جهاد نسخ گردید، اما به باور ما این تفسیر درستی نیست، چرا که اجبار و اکراه مردم به دین باوری و دینداری جهاد نیست؛ با این بیان منظور این است که: تو تنها برای روشنگری راه برانگیخته شده ای، بنابراین تو کار خود را انجام ده و آنان را به سوی حق دعوت کن، که پذیرفتن حق و یا اصلاح ناپذیری آنان برعهده تو نیست.

در آیه بعد می فرماید:

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَ كَفَرَ

مگر

آن کسی که به حق پشت کرد و کفر ورزید و روشنگری تو را نپذیرفت...

به باور پاره ای منظور این است که: در آن صورت دیگر تو وظیفه اندرزدهی و روشنگری به چنین عنصر تعصب ورز و تاریک اندیشی را نداری، چرا که او نمی خواهد بپذیرد، نه این که حقیقت برای او روشن نشده و پیام خدا به او نرسیده است.

آن گاه در مورد چنین کسی می فرماید:

فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

خدای دادگر چنین انسان حق ستیزی را به بزرگ ترین عذاب، کیفر خواهد کرد، و او را در آتش دوزخ ماندگار خواهد ساخت.

در ادامه آیات هشدار می دهد که:

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

بی تردید بازگشت آنان پس از مرگ به سوی ماست.

آن گاه حساب آنان نیز تنها بر عهده ماست، و ما هستیم که پاداش کارهای شایسته و کیفر گناهان آنان را خواهیم داد.

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ با این بیان خدا به پیامبرش خاطرنشان می سازد که حق ناپذیری آنان تو را ناراحت نسازد، چرا که اگر آنان تو را بیزارند و دشمنی ورزند، بازگشت آنان به سوی ماست و کیفر آنان محفوظ است، همان گونه که پاداش کارشان؛ و آنان نمی توانند از قلمرو قدرت ما فرار کنند، و به زودی آنان را در دوزخ گرفتار انواع عذاب ها خواهی نگریست.

نظم و پیوند آیات در مورد پیوند این آیات به آیه های پیش - که از بهشت و نعمت های گوناگون آن سخن دارد - دو نظر آمده است:

۱ - به باور پاره ای آیاتی که به نگرش بر آفرینش شتر، آسمان، زمین و کوه ها توجه می دهد، به آیه دوم در

آغاز سوره پیوند دارد، و منظور این است که: چرا مردم گناهکار و حق ناپذیر به آفرینش این پدیده های شگفت انگیز - که بر فراز سر و زیر پا و روبه روی آنهاست - نمی اندیشند تا با دیدن شگفتی های آنها به پدید آورنده توانا و حکیم و آگاه آنها راه یابند و خدا را بشناسند و با سپاس او و عبادت و فرمانبرداری از او، در روز رستاخیز، با چهره های ذلت زده و زبون و سرافکننده برانگیخته نشوند؟ بلکه با چهره ای شاد و شادمان حاضر گردند.

۲- اما به باور پاره ای دیگر هنگامی که قرآن از نعمت های بهشت، از آن جمله تخت های پرشکوه و بلند بهشتی یاد کرد، سردمداران قریش با تمسخر و تعجب پرسیدند، چگونه می توان بر آنها تکیه زد؟ خدا در پاسخ آنان این آیات را فرفرستاد و روشنگری فرمود که چگونه پدید آورنده آسمان ها و زمین و کوه ها، آنها را پدید آورد و استوار ساخت؟ و چگونه شتر را با این آفرینش شگفت آور و بزرگی اش در برابر انسان رام ساخته است که به هنگام سوار و پیاده شدن یک کودک می خوابد و بر می خیزد، آن تخت های بلند و پرشکوه نیز در برابر انسان با فروتنی پایین می آیند و اوج می گیرند.

و بدین سان این پدیده های چهارگانه را در چشم انداز مردم قرار داد و به نگرش در آنها رهنمون داد که هر انسانی به گونه ای می تواند با نگرش بر آنها و نظام شگفتی که بر آنها حاکم است، به سوی پدیده آورنده توانا و فرزانه آنها راه جوید.

## تفسیر اطیب البیان

سوره غاشیه ، غرض سوره :توصیف روز قیامت و تقسیم شدن مردم به دو گروه سعید و



شقی همراه با بیان وعده و وعید.

(۱) (هل اتیک حدیث الغاشیه): (آیا داستان روز فراگیر قیامت به تو رسیده است؟)

(۲) (وجوه یومئذخاشعه): (در آن روز چهره هایی از شدت شرم، فروافکنده و ذلیل است؟)

(۳) (عامله ناصبه): (از سیمایشان خستگی و تعب ناشی از تلاشهای بی نتیجه نمودار است)

(۴) (تصلی نارا حامیه): (داخل آتشی سوزان می شوند)

(۵) (تسقی من عین انیه): (و از چشمه ای سوزان به آنها نوشانده می شود)

(۶) (لیس لهم طعام الا من ضریع): (خوراکی جز خار تهوع آور بدبو ندارند)

(۷) (لا یسمن ولا یغنی من جوع): (و آنهم نه کسی را فربه می کند و نه سیرمی سازد) قیامت را از آن جهت (غاشیه) نامیده است که انسانها را از هر سو احاطه می کند و آنها را فرا می گیرد و استفهام ابتدای آیه به منظور تعظیم و مهم جلوه دادن امر قیامت است، می فرماید: آیا ماجرای روز فراگیر را شنیده ای؟ در آن روز چهره هایی از شدت اندوه و عذاب ذلیل و شرمسار است، در حالیکه برای دنیا نهایت عمل و تلاش خود را کرده اند، اما چون تلاششان بی نتیجه مانده و هیچ سودی عایدشان نشده، خستگی و تعب از تنشان بیرون نرفته و آثار آن تلاش بی نتیجه و خستگی ناشی از آن در چهره هایشان آشکار است و ملازم آتشی هستند که در نهایت درجه حرارت است و از چشمه ای سوزان و جوشان می نوشند و خوراکشان از نوعی خار بدمزه و تهوع آور است (که بدترین نوع خار است، و هیچ حیوانی آن را نمی خورد) و این خوراک دائمی آنهاست، ولی نه آنها را سیر می کند و

نه ایشان را فربه می سازد.

(۸) (وجوه یومئذ ناعمه): (در آن روز چهره هایی خرسند و باطراوتند)

(۹) (لسعیها راضیه): (و آشکار است که از تلاش خود راضیند)

(۱۰) (فی جنه عالیه): (آنان در باغی بلند و مرتفع هستند)

(۱۱) (لا تسمع فیها لایغیه): (که در آن هیچ سخن بیهوده ای نمی شنوند)

(۱۲) (فیها عین جاریه): (و در آن چشمه ای روان است)

(۱۳) (فیها سرر مرفوعه): (در آن تختهایی مرتفع قرار دارد)

(۱۴) (و اکواب موضوعه): (و قدحهایی که نهاده شده)

(۱۵) (و نمارق مصفوفه): (و بالش ها و پشتیهای ردیف شده)

(۱۶) (و زرابی مبثوئه): (و فرشهایی گسترده) در اینجا در مقابله با وضع کفار و دنیاطلبان به وضع اهل ایمان و تقوی می پردازد. می فرماید: در آن روز چهره هایی شادمان و مسرورند و آثار برخورداری از نعمت از چهره هایشان هویدا است و از نتیجه سعی و عمل خود راضی هستند، چون اعمالشان اعمالی صالح بوده و با بهترین جزا پاداش داده شده اند، آنها در درجات مرتفع و عالی بهشت از عیشی گوارا و لذاتی بدون الم برخوردارند، بطوریکه حتی یک کلمه سخن بیهوده نمی شنوند، و در بهشت چشمه هایی مانند سلسبیل و تسنیم و طهور و... جریان دارد و در آنجا تختها و تکیه گاههایی رفیع و عظیم هست (رفعت کرسیها کنایه از مقام و منزلت کسانی است که به آنها تکیه می زنند) و در آنجا تنگهای شراب نهاده شده و پشتیها به صورت ردیف و پشت سرهم قرار گرفته و اهل بهشت به آنها تکیه می زنند و فرشها و بساطهای فاخر گسترده شده تا اهل بهشت بر آنها بنشینند.

(۱۷) (افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت): (آیا اینها

به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده ؟)

(۱۸) (و الی السماء کیف رفعت): (و به آسمان که چگونه برافراشته شده ؟)

(۱۹) (و الی الجبال کیف نصبت): (و به کوهها که چسان پابرجا گشته ؟)

(۲۰) (و الی الارض کیف سطحت): (و به زمین که چگونه گسترانده شده ؟) بعد از ذکر وضعیت دو گروه مؤمن و کافر، اینک به تدبیر ربوبی خود اشاره ای اجمالی می نماید و بالحنی توییخی به منکران ربوبیت می فرماید: چرا اینها به همین شتر و مرکبی که در اختیارشان است و ما آن را مسخر ایشان کرده ایم با نظر دقت نمی نگرند تا از خلقت عجیب او پی به قدرت خالقش ببرند و اگر در خلقت او بیاندیشند و به شگفتیهای خلقتش موشکافانه ، نظر کنند، اذعان می کنند که امکان ندارد، چنین موجودی بی فایده و بدون غرض و براساس تصادف و گزاف پدید آمده باشد و اینکه از میان همه مخلوقات به شتر اشاره می کند به جهت آنست که در میان مردم عرب شتر از ارکان اصلی زندگی بوده .در ادامه می فرماید: چرا به آسمان نمی نگرند که چگونه به این هیئت شگفت برافراشته شده و بدون ستونی برپاگشته و انواع ستارگان و خورشید و ماه آن را آراسته اند و جو زمین از هوای قابل تنفس بشر آکنده شده و همه اینها شایسته توجه و دقت است و هر انسان عاقلی را متوجه قدرت و حکمت خالق و مدبر آنها می سازد. آنگاه می فرماید: چرا به کوهها نظر نمی کنند که چگونه خدا آنها را برپا و محکم واداشته است و ریشه های آنها مانند میخ اجزای زمین

را محکم کرده و از مخازن آن چشمه ها و نهرها جاری می شود و معادن را در سینه خود حفظ می کند. و چرا به وضع زمین نمی اندیشند که چگونه خداوند آن را برای بشر گسترانده و انواع نعمات را برای بقاء نوع بشر در آن فراهم آورده ، بطوریکه شایسته سکونت انسان شده .لذا این تدابیر کلی مستند به خالق و مدبر هستی است ، پس بر انسانها واجب است که به ربوبیت او ایمان آورند و اعتراف نمایند و تنها او را بپرستند، چون آنها در پیش رویشان عالم آخرت را دارند که در آن برانگیخته و مبعوث شده و به حسابشان رسیدگی می شود و مطابق اعمال نیک و بدشان جزا می بینند.

(۲۱) (فذكر انما انت مذکر): (پس ای پیامبر، تو تذکر بده که تنها وظیفه تو تذکر دادن است )

(۲۲) (لست علیهم بمصیطر): (و تو بر آنها تسلطی نداری )

(۲۳) (الا من تولى و کفر): (جز آنها که اعراض کرده و کفر ورزیدند)

(۲۴) (فیعذبه الله العذاب الاکبر): (که خدا آنان را به عذاب بزرگتر قیامت معذب خواهد کرد)

(۲۵) (ان الینا ایابهم): (بدرستی که آنها بازگشتشان بسوی ماست )

(۲۶) (ثم ان علینا حسابهم): (و سپس محققا حساب ایشان بر عهده ماست ) می فرماید: وقتی معلوم شد که خدای سبحان رب مردم است و در پیش رویشان حساب و جزا را در پیش دارند، پس تو ای پیامبر، آنها را به این حقایق تذکر بده ، که تنها وظیفه تو به عنوان پیامبر، همین تذکر دادن است ، به امید آنکه آنها با طیب خاطر و بدون اکراه ایمان بیاورند، چون تو قاهر و مسلط بر آنها نیستی و

نمی توانی آنها را مجبور به ایمان نمایی و فقط می توانی افرادی را که صلاحیت تذکر پذیری دارند (قلبهایشان از خدا خشیت دارد) موعظه و تذکر بدهی و تو باید آنان را موعظه کنی و برای تذکر مداومت داشته باشی ، مگر کسانی که بعد از تذکر تو روی گردانیده و کفر ورزیدند که در این صورت دیگر لازم نیست به تذکر خود ادامه بدهی ، بلکه باید از آنها اعراض کنی و امر ایشان را به ما واگذار کنی تا ما آنها را به عذاب آخرت که به مراتب از عذاب دنیا بزرگتر است ، معذب نمائیم . پس این آیات مضمونی شبیه آیات ۱۲۹ سوره اعلی دارند که تفسیر آن گذشت . در ادامه می فرماید: بدرستی بازگشت آنها بسوی ماست و در نهایت آنها و همه مخلوقات بسوی ما باز می گردند و آنگاه حسابرسی ایشان نیز برعهده ماست ،(پس لازم است فقط مرا بپرستند و از من اطاعت کنند و خود را از عذاب من حفظ نمایند)

### تفسیر نور

«غاشیه» به معنای پوشاننده است، و منظور از آن، حادثه قیامت است که همه را تحت پوشش قرار می دهد. «عامله» به معنای کوشنده و «ناصبه» به معنای کار پر مشقت است که انسان را خسته می کند. «حامیه» به معنای بسیار داغ و «انیه» نهایت درجه سوزندگی است.

ممکن است مراد از «وجوه»، صاحبان وجوه و چهره های برجسته باشد، یعنی چهره های شاخص هر یک از دو گروه نیک و بد.

«ضریع» به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی است در دوزخ شبیه به خار که از مردار بد بو تر و از آتش داغ تر و بسیار تلخ است. <۸۱۵> شاید گذاردن نام «ضریع» بر

این خار به خاطر آن باشد که خوردن آن انسان را به فریاد و تضرع وادار می کند.

کارهای پر زحمت فراوانی در دنیا انجام می شود ولی به خاطر آنکه اخلاص در آن نیست یا طبق دستور الهی انجام نشده است و یا با عجب و غرور و منت و گناه و شرک همراه بوده، حبط می شود و هدر می رود و در قیامت مورد بهره قرار نمی گیرد.

در جهان بینی الهی، عنصر کار باید با عنصر هدف و جهت و عنصر رهبری هم سو و مقدس باشند.

۱- حادثه قیامت چنان فراگیر است، که همه باید به فکر آن باشند. <<هل اتاك حديث الغاشيه>>

۲- هر تلاش و زحمتی، در قیامت مفید نخواهد بود. <<عامله ناصبه>>

۳- تنها گروه مخلص از تلاش های خود بهره خواهند گرفت. <<لسعيها راضيه>>

۴- معاد جسمانی است، زیرا مسئله چاقی و لاغری تنها در مورد اجسام قابل قبول است. <<لايُسنم>>

«ناعمه» به معنای در ناز و نعمت به سر بردن و «لاغیه» به معنای گفتار بیهوده است.

۱- شادی و خرمی واقعی در چهره منعکس می شود. <<وجوه... ناعمه>> رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ ضمیر.

۲- نعمت های بهشت و الطاف خاص الهی، از نتایج سعی و تلاش است. <<ناعمه لسعيها>>

۳- سختی کار در دنیا زودگذر است ولی شادمانی و کامیابی دائمی در آخرت را به همراه دارد. <<لسعيها راضيه>>

۴- بهشت، نقطه اعتلای مادی و معنوی است. <<جنّه عاليه>>

۵- کسانی که در دنیا از لغو دوری کنند، در سرای دیگر، در فضای بدون لغو زندگی خواهند کرد. <<لا- تسمع فيها

لاغيه>>

۶- در بهشت نه تنها لغو نیست بلکه کلامی که به نحوی سبب پدید آمدن لغو هم شود وجود ندارد. <<لا تسمع

کلمه «عین» به معنای چشمه، بر یک یا چند چشمه قابل تطبیق است و به دلیل آیه ۱۵ سوره ذاریات، چشمه های بهشتی متعدد است. <<ان المتقین فی جنّات و عیون>>

«سُرر» و «سرور» از یک ریشه است. سریر به تختی گفته می شود که برای سرور باشد و کلمه «مرفوعه» نشانه جایگاه بلند تخت های بهشتی است که بر صحنه های دیدنی بهشت اشراف دارد.

«اکواب» جمع «کوب» بر وزن خوب به معنای قدحی است که دسته ندارد. در سوره واقعه آیات ۱۷ و ۱۸ انواع ظرف ها آمده است. <<باکواب و اباریق و کأس من معین>>

«نمارق» جمع «نمرقه» به معنای بالش و پستی کوچک است. «زرابی» فرش فاخر و زربافت است.

۱- عظمت چشمه های بهشتی قابل شناخت نیست. <<فیها عین جاریه>> (کلمه «عین» نکره آمده است).

۲- جایگاه بهشتیان، رفیع و بلند است، نه آنکه روی زمین بنشینند. <<سُرر مرفوعه>>

اگر روحیه تفکر در انسان باشد، همه هستی کلاس درس است. یک چوپان در بیابان هم گویی در بزرگترین کتابخانه های دنیاست؛ زیر پایش زمین است، بالای سرش آسمان، در اطرافش کوهها و جلوی رویش شترها، و اگر در هر یک دقت کند، اسرار بسیاری را کشف می کند. مثلاً شتر از ا

ب بیشتر می دود، از الاغ بیشتر بار می برد. در میان حیوانات بعضی برای سواری، بعضی برای گوشت و بعضی برای شیر مورد استفاده قرار می گیرند، ولی شتر همه چیزش قابل استفاده است. پلک هایش در برابر باد و خاک بیابان مقاوم است، در کوهان خود چربی و غذا را ذخیره کر

در برابر گرسنگی مقاوم است. در بدنش آب را نگهداری کرده و در برابر تشنگی مقاوم است، راه را می داند، چنان رام است

که صدها شتر تسلیم یک ساریان می شوند، کف پای او برای ریگزار آفریده شده، گردن او پله سوار شدن و اهرم بار برداشتن و خلاصه به قول عربها، شتر کش

بیابانهاست. قوی ترین، کم خرج ترین، پرفایده ترین و آرام ترین و بردبارترین حیوان است.

پیدایش آسمانها و کوهها و زمین تصادفی نیست، بلکه کاملاً حکیمانه آفریده شده و در جای خود قرار داده شده اند.

در هر نعمتی یک جهتی برجستگی دارد (در شتر، نحوه ی آفرینش؛ در آسمان، بلندی؛ در زمین، گستردگی و در کوهها نحوه ی نصب شدن).

آسمان ها، کرات، مَدَار کرات، نظم و حساب آنها که هر روز گوشه ای از عجایب آنها کشف می شود، از عرصه های همیشگی مطالعه و کشف و تأمل هستند.

کوه ها و ریشه های آنها در دل زمین، مثل میخها و حلقه های زنجیر زمین را از تزلزل و اضطرابی که در اثر مواد گداخته درون زمین پدید می آید، حفظ می کنند، برفها را در خود ذخیره نموده و به تدریج روانه می کنند، جلو طوفان ها را گرفته و سبب تصفیه هوا می شوند، مخ

انواع معدن ها و مواد صنعتی بوده و علاماتی برای مسافران و بستری برای پرورش بعضی از گیاهان هستند. دیگر کوهها از طریق انواع سنگهای قیمتی و زینتی مثل عقیق یا سنگهای عمرانی همچون مرمر در ساختمان ها، سرمایه ای پایان ناپذیر برای بشر هستند و خلاصه در این آیا

ه مسائل جهان شناسی و حتّی تمام مسائلی همچون کشاورزی، دامداری، صنعت و امور فضایی به نحوی اشاره شده است.

۱- کسانی که در کشف حقایق هستی عمیق نمی شوند، مورد سرزنش خداوند هستند. <<افلا ینظرون>>

۲- از محسوسات عبور کنید تا به معقولات برسید. <<افلا ینظرون...>>

۳- در معاد و نعمت های ویژه بهشتیان شک نکنید، مگر آفریده های عجیب خدا را



در دنیا نمی بینید؟ <<افلا ينظرون الى الابل>>

۴- همان گونه که اصل آفریده ها دلیل بر وجود خداست چگونگی و پیچیدگی آفریده ها هم دلیل بر قدرت و علم و حکمت اوست. <<کیف، کیف، کیف، >>

تذکر برای اتمام حجت است تا کافران در قیامت نگویند: <<لولا ارسلت الینا رسولا فتتبع>> <<۸۱۶>> خدایا! چرا برای ما هشدار دهنده ای نفرستادی، که از او پیروی کنیم. البته جز صاحبان خرد از این تذکرها پند نمی گیرند. <<انما يتذکر اولوا الالباب>> <<۸۱۷>>

در سوره قبل (سوره اعلی) خداوند به پیامبرش دستور تذکر داد و فرمود: تو تذکر بده که هر کس خشیت دارد متذکر می شود و افراد شقی از تذکر دوری خواهند کرد و به بزرگترین عذاب گرفتار خواهند شد. <<یتجنّبها الاشقی الذی یصلی النار الکبری>>

در این سوره نیز می فرماید: تو تذکر بده ولی بدان که گروهی اعراض خواهند کرد و به عذاب اکبر گرفتار خواهند شد. <<الا من تولی و کفر فیعذبّه الله العذاب الاکبر>> به هر حال «نار کبری در سوره اعلی و «عذاب اکبر» در این سوره، کیفر کسانی است که تذکر پ

ر نیستند و پند و اندرز الهی را پشت گوش می اندازند.

«مُصیطر» از «سطر» و «سیطره» به کسی گفته می شود که افراد تحت امر خود را به بند می کشد و آنان را در جهتی که خود می خواهد تنظیم می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کلّ امّہ یحاسبها امام زمانها یعرف الاثمه اولیائهم و اعدائهم سیماهم و هو قوله <<و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم>> <<۸۱۸>> حساب هر امت به عهده امام زمان آنهاست و امامان، دوستان و دشمنان خود را از سیمایشان می شناسند،

انگونه که در سوره اعراف چنین آمده است.

در زیارت جامعه خطاب

به معصومین علیهم السلام نیز می خوانیم: «و ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم» <۸۱۹> رجوع مردم به سوی شماست و حساب مردم با شماست. از امام کاظم و امام باقر و امام هادی علیهم السلام نیز این معنا نقل شده است. <۸۲۰>

جمله <<الّا من تولّی و کفر>>، استثناء از جمله ی <<انّما انت مذکر>> است. یعنی ای پیامبر تو تذکر دهنده ای، جز آن که کفر ورزد، که تذکر تو در او اثری ندارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از عذاب اکبر، عذاب شدید و ابدی است. <۸۲۱>

۱- پیامبر، مأمور به وظیفه است نه نتیجه. <<انّما انت مُذکّر>> (پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم اهتمام و حرص داشت و خداوند به او فرمود: وظیفه تو فقط تذکر است.)

۲- وظیفه پیامبران، تذکر است نه تسلط و تحمیل عقیده. <<لشت علیهم بمصیطر>>

۳- بی اعتنایی مردم، وظیفه را ساقط نمی کند. <<انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر>>

۴- منشأ کفر، عناد و لجاجت و روی گردانی از حق و حقیقت است. <<من تولّی و کفر>>

۵- قهر خدا درجاتی دارد. <<العذاب الاکبر>>

۶- فرار از قهر الهی برای هیچکس امکان ندارد. <<انّ الینا ایابهم>>

۷- حسابرسی از سنت هایی است که خداوند بر خود واجب کرده است. <<انّ علینا حسابهم>>

«والحمد لله ربّ العالمین»

## تفسیر انگلیسی

Ghashiyah means that which overshadows or overwhelms—a terrible thing or event which makes people lose their senses. The day of judgement is indicated as an event when all that which we have seen and experienced in the life of this world will be lost and the only reality before us will be the process of reckoning

Verses ۲ to ۷ describe the conditions in which the disbelievers, the transgressors and

those who opposed the true servants of Allah in this world will live for ever. Dhari is understood to be a bitter and thorny plant, loathsome in smell and appearance

.Verses ٨ to ١٤ describe the state of bliss in which the righteous will live for ever

:Aqa Mahdi Puya says

The enjoyments referred to in these verses are the figurative presentation of the heavenly bliss which the souls of the righteous will live through

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

As evidence of Allahs mercy to mankind a few signs have been referred to, which are

full of meaning, design and goodness to man. To prove the purposefulness of creation mans attention has been drawn to the book of nature. The camel, a domesticated animal, serves the dwellers of the desert in many ways. The blue sky high above us is a source of many bounties mankind receive for sustenance. The mountains not only stabilize the earth but also store water, moderate climate, provide stone for many purposes; and there are other services they render which are known to the students of physical geography. The earth is a globe, yet it seems to be spread out before us in .plains, valleys, hills and deserts

Seeing these things man must

.find out the divine plan and purpose of his life in this world

(see commentary for verse ۱۷)

(see commentary for verse ۱۷)

(see commentary for verse ۱۷)

The prophet of Allah is sent to teach, preach and guide the people, but not to force  
.people to adopt the right path

Musaytir has been used here in the sense of an enforcer or compeller who forces or  
coerces in order to make any one carry out commands against ones will under duress.  
As has been said in Baqarah: ۲۵۶, there is no compulsion in religion, so the prophet of  
Allah is not a compeller in this sense, otherwise as the vicegerent of Allah he has the  
authority to execute His divine legislative will. It is Allah who will punish the  
.transgressors

:Aqa Mahdi Puya says

The authority of Allah is absolute, yet all the functionaries carrying out His authority  
on His behalf, such as the prophets, the Imams as their successors, the angels and  
.the spirits, are authorised by Him to execute His will

(see commentary for verse ۲۱)

(see commentary for verse ۲۱)

(see commentary for verse ۲۱)

(see commentary for verse ۲۱)

(see commentary for verse ۲۱)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹